

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

مصاحبه روزنامه فرانسوی کوبندین نادریک با نوری

## غرب نباید با رژیم جنایتکار خمینی معامله کند

شاپور بختیار، به مدت ۳۷ روز از ۲۶ ژانویه تا ۱۱ فوریه ۱۹۷۹، نخست وزیر ایران را برعهده داشت. بختیار رگه به اندیشه های آزادمنشانه اش، شهرت دارد. و به همین سبب، زمان شاه جدیدی از زندانی شده، از دوران کوتاهی مدت زمان مداریس بود. چنانچه، ساواک را منحل کرد و آزادی مطبوعات را برقرار ساخت، اما این اقدام های اصلاحی، با آنکه بنیادی بود، دیگر برای پیشگیری از سقوط رژیم و حاکم، مهیا نکردن موج اسلامی که سرانجام، ایران را در خود دیوانه ساخت، کافی نبود.

بختیار، سرانجام، تبعید در فرانسه را برگزید. در ژوئیه ۱۹۸۰ سوئیس قصد علیه بختیار به وسیله یک گروه کوماندویی

به سرکردگی انیس نقاش که خمینی آن را به بیاری اعزام کرده بود، تا کام مانده، اما در این ماجرا، یک ماه موریس و یک زن همسایه کشته شدند و یک مأمور پلیس دیگر، ماما را همسر معلول ماند. انیس نقاش اکنون در فرانسه زندانیست. تروریست های لبنانی با رها خواستار آزادی اعضای این گروه کوماندویی در برابری آزادی گروگان های فرانسوی اسیر در لبنان شده اند.

کوبندین - آیا قابل درک می دانید که فرانسه انیس نقاش را با گروگان های فرانسوی اسیر در لبنان معامله کند؟

شاپور بختیار - آزاد سازی نقاش و همسرش، به دولت شما ربط دارد نه من. آنچه من می توانم بگویم، این

است که من خلاف اخلاق می دانم که کسی بتواند احتمال معامله گروگان های بی گناه را با مجرمان، یعنی نقاش و آدمکشانش، در نظر گیرد. ملاحظه کنید، در جنگ جهانی دوم، سی تقوایی سیاسی در مونیخ آغاز می شود و در "سرل ها ریسر" ادامه می یابد. ریگان که پس از چهار مدوچهل و چهار روز اسارت دیپلمات های آمریکایی در تهران، از راه می رسد و سوگند می خورد که دیگر چنین اتفاقی رخ نخواهد داد. امروز جنگ افزا رگه جمهوری اسلامی می فرودد. با یادگفت که این همان بی تقوایی سیاسی است که تکرار می شود.

بقیه در صفحه ۲

حسینلی مکان

### دسته گل آقای وزیر!

وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی - آقای حسن عابدی جعفری - در پاسخ گزارش دو هزار و سیصد و پنجاه و یک کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی، بنوبه خود گزارش مسبوطی انتشار داده است.

کمیسیون اصل ۹۰ یکی از کمیسیون های مجلس شورای اسلامی است که وظیفه دا رد عرایض مردم را از نظر عمل قوه مجریه و قوه قضائیه پیگیری کند و چنانچه نتیجه مؤید مختلف را محقق دانست گزارش تحقیقات خود را انتشار دهد.

بقیه در صفحه ۱۲

انجیل حسن نیت!

پروین دکستر و کلنل آلپورت رئیس و معاون شورای امنیت ملی، انجیل امضا شده ای را به عنوان نشانه حسن نیت آمریکا به جمهوری اسلامی هدیه داد. مقامات رژیم خمینی این هدیه را در شهر فرانکفورت آلمان تحویل گرفته و قبول کردند.

سخنکوی کاخ سفید اضا فده کرده در جریان مذاکرات بین المللی مقامات جمهوری اسلامی آمریکا، گفتگو های مسبوطی پیرامون مذهب و میراث مذهبی مشترک اسلام و مسیحیت و یهودیت انجام گرفت تا نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی تفهیم شوند که در آمریکا و سایر معا لک نیز مردم خدا پرست هستند و به نی دین و اصول مذهبی اعتقاد دارند.

لاری اسپیکس اظهار داشت: انجیل امضا شده رئیس جمهوری آمریکا به این خاطر تحویل نمایندگان رژیم تهران داده شد تا بدانند که مذا کره کنندگان آمریکایی نمایندگان رسمی رونا لدریگان و دولت آمریکا هستند.

لازم به یاد آوری است که توصیه کنندگان طرح امضای انجیل توسط ریگان، یعنی دریا سالار پروین دکستر و سرهنگ آلپورت، هر دو از رگاریکا ر شده اند.

بقیه در صفحه ۱۱

عوج بمبارانها:

### قیم و اصفهان هدف هر روزه

ایران شنبه شب ۳۱ ژانویه موشک دیگری به سوی بغداد دریا ب کرد که در نتیجه انفجار آن دهها نفر در یکی از محل های پایتخت عراق کشته و یا مجروح شدند. ساعتی بعد هوا پیما های عراقی به آسمان ایران حمله بردند و نوا حی سخکونی را در اصفهان و تبریز بمباران کردند.

عراق اعلام داشت که موشک های ایرانی تا مگاه روز ۳۰ ژانویه در بغداد بارانند.

بقیه در صفحه ۱۱

### اخلاق ضد علم

موفق بوده است، در حالی که استادان با سواد و با تجربه دانشگاه های ما بیش از موقع بازنشسته، بیکار یا به اصطلاح پاک سازی شده اند، مرتد ریسی دانن آموزان و دانشجویان به کانسسی وا کذا ر کرده است که اگر از زبردست آنها فارغ التحصیلان کارآمد و بدردخوری بیرون آیند، شگفتی دارد.

این بیسوادی و بی تجربگی استادان اگر چه شامل همه دانشگاه ها و موسسه های عالی آموزشی می شود، ولی در دانشگاه های پزشکی بیامدهای آن برای جامعه خطرناکتر از همه جا های دیگر است.

بقیه در صفحه ۴

### دکتر شاپور بختیار خطاب به رئیس سازمان کنفرانس اسلامی

این تلگرام، بعد از ظهر روز ۲۶ ژانویه از سوی دکتر شاپور بختیار، رهبر نهضت مقاومت ملی ایران خطاب به رئیس سازمان کنفرانس اسلامی به کویت مخابره شد.

حضرت شیخ جا برا الاحمد الصباح امیر کویت و رئیس سازمان کنفرانس اسلامی، بیانات جناب عالی در منطق افتتاحیه پنجمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، که ضمن آن جنگ ایران و عراق را در راه سنگرانی های دنیای اسلام و اشتغال کنفرانس عنوان کردید، موجب امیدواری بسیار شد.

وقت آن است که نه تنها ملت های مسلمان جهان، بلکه تمام کشورهای ملت های آکا هوعا قبت اندیش جهان که با بیعت داده اند، این جنگ بیجا صل برای دو کشور را می دانند و خطر گسترش آن به تمام منطقه را احساس می کنند، کلید مساعی خود را برای پایان دادن به آن بکار ببرند.

بقیه در صفحه ۲

### خانم تاچر راست نمی گوید

لندن هفت سالی است که یکی از مراکز فاجاقی اسلحه و ارسال تجهیزات به جمهوری اسلامی است. اولین بار طبع و نشریک سندسری و محرمانه دفتر خرید و تسلیحات جمهوری اسلامی در لندن توسط نشریه "نهضت" ارگان نهضت مقاومت ملی ایران برده و ما جرا برداشت، ترجمه این سند محرمانه در روزنامه های انگلیسی طبع شد و از آن پس نمایندگان احزاب مخالف در مجلس عوامپروش های سیاسی از خانم تاچر نخست وزیر انگلستان سؤال خود را با ردیگر مطرح کرده است.

بقیه در صفحه ۱۱

### شاهنامه فردوسی

و شرح شگفتی های گیتی

در صفحه ۶

مصاحبه روزنامه فرانسوی کوندین

غرب نباید

بارژیم جنایتکار خمینی

معامله کند

بقیه از صفحه ۱

به این دلیل، به طور کلی و منحصراً با هر گونه مذاکره و معامله با کسانی که هیچ قانون اخلاقی و سیاسی را محترم نمی شمارند، مخالفم، حتی به قیمت جان انسان‌های بی‌گناه ما این گونه مذاکره و معامله مخالفم. من به فرانسه سخت علاقه مندم، اما رفتار دولت آن بر ما مبعوث می‌سازد، خواه کار، گار دولت سوسیالیستی باشد، یا دولت راستی.

کوتیدین - از یک نظر کلی تر، آیا واقع بینانه می‌دانید که کشورهای غربی، روابط خود را با رژیم خمینی عادی سازند؟

تا یوربختیار - عادی سازی روابط، با دولتی که قوانین بین المللی، عدالت و ابتدایی ترین اصول انسانیت را پایمال می‌کند؟ با دولتی که جز در اندیشه مدور انقلاب تعصب با ریش نیست؟ چرا می‌خواهید غربی‌ها مناسبات با آن را با چنین دولتی عادی سازند و حال آن که همواره آن را وحشی و بربرتر توصیف می‌کنند؟ نمی‌توان و نباید با چنین رژیم، سردی که به نام او توجیه و تشریح می‌شود، این همه جنایات انجام شده، سازش کرد.

قابل درک می‌دانم که غرب در آنچه در ایران می‌گذرد، مداخله نکند، اما به هیچ روی در دست نمی‌داند که غرب با معامله با رژیم کونی، سرانجام در ایران می‌گذرد، چشم فرو بندد.

در زمان نخست وزیری ام، گفتم کسی خمینی مراد ما تا تاریخ اندیسی ست، غربی ست در مجبور، منافع ما، این پس بینی تحقق یافته است. همچنین گفته ام و تکرار می‌کنم که خمینی، بدون پشتیبانی عربی‌ها و به ویژه پشتیبانی انگلیسی‌ها، شش ماه نمی‌تواند پایداری نیروی اصلی در میان همه نیروهای که از او پشتیبانی می‌کنند، بپول است.

تنها یک نمونه می‌آورم: همواره روزها با خرید نفت، میلیون‌ها دلار به دایمان ملایان می‌برند. آیا نمی‌توان به آن‌ها تفهیم کرد که این کار چنانچه برای صلح میان ایران و اسرائیل و نفع آن‌ها را به سوی دیگر فرستد و نفع نرهنمون سده‌ها دامن نیز کم نیست؟ چنین روشی پس از مدتی، برای غرب، مخاطره بار خواهد بود، می‌توانیم به یکدیگر گفت که در ایران مردم سخت به رسم آمده اند از آن که می‌بینند بیگانگان برای حفظ منافع پلیدی، از رژیم حمایت می‌کنند که با آن همه حسرت و توجوه، ملت ایران را سرکوب می‌کند.

کوتیدین - آینده ایران را چگونه می‌بینید؟

تا یوربختیار - کوس کنید ما اکثریتی هستیم که خود را ایرانی می‌دانیم و می‌خواهیم ایرانی باشیم. خمینی، دیدگاهی کاملاً متفاد دارد، به زعم او، ایران وجود ندارد، اسلام وجود دارد که بر مردم آن می‌تواند همانگونه بر فراز زمین یا نیویورک به اهتزاز درآید که در تهران، در این رژیم که یکی از نحوسات با ترسین رژیم‌های است که گروه زمین تا کون به خود دیده، "مسلم" گرایش‌ها بی وجود دارد که بر سر جانشینی خمینی با یکدیگر جدال می‌کنند.

نیرنگ با زانی حون رفسنجانی - آیا ما رکیست‌های مردم رفسنجانی - با زری، ملی گرایان می‌خواهند به این دوران وحشت و ترسور و به این حمام خون که تا ملایان سرسوارند، ادامه خواهد داشت، یا یان دهند. در میان ملی گرایان، جمهوری خواهان وحسرت زدگان رژیم سببین وجود دارند و سرور و طوطی خواهان کسی حون من که هوادار سلطنتی هستند که به رجح و عدالت پایه گذاری نمود و از حمایت آراء عمومی برخوردار باشند، مانند آنچه در دموکراسی‌های غربی در اسانیا، در بلژیک، در انگلستان و جاهای دیگر، به هر صورت، اصل سکل و طوطی رژیم نیست، بلکه این است که بتوانیم مردم را بر محور آرمان‌های بزرگ ملی گرد آوریم و به آنان حق سخن گفتن، حق بیان تفکرات و نظراتی سازان بدهیم.

و اما در آینده نزدیک، امید نیست که مرکز خمینی، کوناه مدتی، رهبری گروهی

کنفرانس اسلامی:

دست و پادر پوست گردو

بقیه از صفحه ۱

با زمان کنفرانس اسلامی شامل چهل و شش کشور با نزدیک یک میلیارد نفر جمعیت است. چهل و ششمین عضو زمان، نیجریه است که در سال ۱۹۸۶ عضویت این سازمان را پذیرفته است. بنا بر منشور سازمان، همه دولت‌های کشورهای مسلمان می‌توانند عضو زمان کنفرانس اسلامی باشند اما حقیقت آنست که کشورهای مسلمان، تفاوت‌های بسیار دارند. فی المثل عربستان سعودی شامل جمعیتی صد درصد مسلمان است در حالی که مسلمانان اوکاندا ۳۲ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و در یورکونیا قاسو، ۴۶ درصد مردم مسلمانند.

مقر مرکزی سازمان با نهادهای فرعی مختلف در جده برپاست. عضو ایران غائب است و عضویت افغانستان از سال ۱۹۸۵ با ورود ارتش سرخ به آن کشور دچار تعلیق شده است. لیبی هم شرکت نکرد (از جهت وضع کشور در کویت حاضر شده بودند).

روایات بزرگ کنفرانس صدام حسین بود. تا آخرین روز کنفرانس گمان بر آن بود که او برای چند ساعت هم که شده باشد خود را خواهد رساند اما حمله و هجوم ایران به او فرصت نداد. ده بود که اتمام فرمان ستاد ارتش را ترک گوید. غیبت جمهوری اسلامی بر کنفرانس سران که هدف مهم آن راه جویی برای پایان دادن به جنگ طولانی خلیج فارس است - بسیار ناگوار می‌آمد. این جنگ را شیخ آل جابر "مصیبتی برای همه ما است" توصیف کرد و افزود: "گفته‌ها و شایعات (اصطلاح جمهوری اسلامی) همه ما را نوزندان ما هستند."

کویت برای برگذاری کنفرانس سالنی با تکیه و فوق مدرن تهیه دیده بود. سالنی که مخصوص پذیرایی چهل و شش هیأت نمایندگی فراهم آمده است. روز ۲۶ ژانویه شیخ آل جابر امیر کویت کنفرانس را گشود. اتفاقاً آنکه امیر کویت وقتی پشت کرسی خطابه قرار گرفت تا به میهمانان خوشامد گوید، کرسی خالی ایران در دست روبرو روی وی قرار داشت. جایگاه هیأت‌ها به ترتیب الفبای عربی در سالن نهاده بودند و ایران، در ردیف اول و در مرکز دایره، روبروی میز هیأت تشریفه قرار گرفته بود.

شیخ آل جابر در خوشامدگویی به میهمانان به ویژه بر حضور جمهوری عربی مصر تا یکدیگر دوگفت: "شادمانیم که مصر صفا و در سرزمین کویت باز پیوسته است. آرزوی منیم که سهیم مصر (در این اتحاد) کامل و همیشگی باشد." این تاء کید و مجامله نباید بر حافظه آسان آمده باشد، زیرا هیأت نمایندگی سوریه به همراه سرگت و حضور مردم کنفرانس مخالفت می‌کرد و کشور فراتر از متحدان اسرائیل می‌خواند: "مصر به آرماتهای عربی

در ایران پدید آمد، شورایی که فی المثل، در آن رفسنجانی، منتظری و یک نفر دیگر عضو بودند. اما روزی با بدگمانی خود را به مردم بسیار، چنین روزی خواهد رسید.

روزنامه کوندین - ۳۱ ژانویه ۱۹۸۷

تظاهرات مونیخ

بنا به گزارش‌های رسیده، واحدهای نیروی مقاومت ملی ایران، در نظردار رساعت ۱۱ روزنمده ۷ فوریه ۱۹۸۷ - برای اعتراض نسبت به داد و ستد و جنایات خمینی، در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در مونیخ دست به تظاهرات بزند و طوطی اعلامیه‌ای از هوطنان منیم آلمان دعوت نموده است که با شرکت در این تظاهرات بهم‌خسود را در انجام این وظیفه ملی و انسانی انجام دهند.



تلگرام دکتر شاپور بختیار

خطاب به رئیس

سازمان کنفرانس اسلامی

بقیه از صفحه ۱

این جنگ ۶ ساله بین دو کشور همسایه و همکیش را که علاوه بر فاجعات مادی غیر قابل تخمین، تاکنون صدها هزار کشته و ده‌ها هزار معلول بجا گذاشته، با پدیده‌های ژئودیدترین بحران‌های جنون عصر حاضرنا می‌د. دو کشور جهان سوم که می‌رفتند به برکت ثروت خدا داد و جیش کشی علم و تکنولوژی، عقبماندگی‌های خود را جبران کنند و به رفاه می‌توانند. اما در این قرن بیستم دست‌ها بسته، متعاقباً و متدرجاً خود را تا بودمی کنند. من، برای شما و سران عالیقدر کشورهای مسلمان - علیرغم سماجت جنون آمیز گروهی که بر کشور من حاکم شده اند و متاع سخانه بنا بر اسلام به هنگام حیثیت اسلام مشغولند - در این امر مهم و حیاتی صمیمانه آرزوی موفقیت می‌کنم.

شاپور بختیار - پاریس ۲۷ ژانویه ۱۹۸۷ براساس هفتمین ماه ۱۳۶۵

عملیات نظامی بین دو کشور شد. در بیابان‌ها نهایی کنفرانس تا کید شده است که با بدظرفین به مرزهای شناخته شده بین المللی بازگردند، اسیران جنگی را مبادله کنند و به متاع خود از راه‌های مسموم آمیز با ن دهند.

کنفرانس کشورهای مسلمان دعوت کرد که به منظور دست جمعی راهی برای پایان دادن به این جنگ پیدا کنند. این در حالی است که سید علی خامنه‌ای رئیس جمهوری اسلامی روز ۲۹ ژانویه اظهار داشت که کنفرانس اسلامی به جای پرداختن به مسائل راهبردی است. به عبارت دیگر رئیس جمهوری اسلامی، جنگ جمهوری اسلامی و عراق را یکی از مسائل حاشیه‌ای کنفرانس اسلامی قلمداد کرد.

کنفرانس اسلامی که ۴۶ عضو را در شرکت ۴۳ عضو، روز دوشنبه ۲۶ ژانویه در کویت آغاز یکا کرد.

جمهوری اسلامی کنفرانس کشورهای اسلامی را تحریم کرد و از فرستادن نماینده به آن خودداری ورزید. از سوی عراق عزت ابراهیم، مرد شماره ۲ این کشور در کنفرانس شرکت کرد. قطعنامه کنفرانس اسلامی بطور عمده دربار این مسائل ماسئل مطرح کرد. جمهوری اسلامی و عراق - مسئله "سهم" خاورمیانه - افغانستان - جنگ لیبی و جاد و سیاست هسته‌ای اسرائیل.

ابوایاد مرد شماره ۲ الفتح

گروهک‌های تروریستی در خدمت تهران

لبنانی که به خمینی گرویده و امروز در زندان آلپه فراضه زندانی است مورد نقاشی است؟ انیس نقاش مسئول اولین عملیات ایرانی در خارج از کشور و پس از پیروزی انقلاب اسلامی است: "ابوایاد فتوای امام خمینی به اقدام برآمد."

ابوایاد می‌گوید: "عملیات ربودن هواپیما ی بوئینگ ارفرانس تحت نظر رفیق دوست انجام شده بود. انیس نقاش از زندان نجاتی برای اسام خمینی نوشت و او را برای شرح داد. علاوه بر این برای جمهوری اسلامی لازم و ضروری بود تا نشان دهد که فرزندان شیخ ر، به ویژه وقتتی که این فرزندان از جمله "قهرمان" اند، - رهائی کند."

ابوایاد می‌گوید: این نقاشی آزادی نقاش را قبلاً چند بار پس از ۱۹۸۶ به بیروت و کن (وزیر کشور فرانس) و دو هفته بعد، پس از استقرار حکومت شیراک به ویریا بندرو (وزیرداری) گزارش کردم.

بقیه در صفحه ۱۱

خیا نت کرده است. جایی که حافظ اسد در سالن کنفرانس قرار گرفته بود، جای مطبوعاتی برایش نبود. دو تا کرسی آن طرف تر ساون رئیس جمهوری عراق نشسته بود که مدتی بعد روابط سوریه و عراق تا چه حد بحرانی است. دو حزب بعث که در دو کشور عربی حکومت در دست دارند، علیه یکدیگر شمشیر زربسته اند.

در همان در وقت که کرسی عراق قرار داشت، کمی آنسوتر با سرعفات جای گرفته بود. حافظ اسد در هر گردش سرگردن این هر دورا می‌دید و اگر به راست سر می‌گرداند، حسنی مبارک، بی‌شک فقط یک صدلسی قرار داشت. اسد میان دشمنان بزرگش که هتکی رؤسای کشورهای عرب مسلمانند قرار گرفته بود و این گویا کافی نبود که جمیل رئیس جمهوری لبنان نیز جلوی او قرار داشت. یکسانی است که جمیل واسد روابطی سرد و بحرانی دارند.

یک غایب بزرگ کنفرانس صدام حسین بود. تا آخرین روز کنفرانس گمان بر آن بود که او برای چند ساعت هم که شده باشد خود را خواهد رساند اما حمله و هجوم ایران به او فرصت نداد. ده بود که اتمام فرمان ستاد ارتش را ترک گوید.

غیبت جمهوری اسلامی بر کنفرانس سران که هدف مهم آن راه جویی برای پایان دادن به جنگ طولانی خلیج فارس است - بسیار ناگوار می‌آمد. این جنگ را شیخ آل جابر "مصیبتی برای همه ما است" توصیف کرد و افزود: "گفته‌ها و شایعات (اصطلاح جمهوری اسلامی) همه ما را نوزندان ما هستند."

کویت تا آخرین لحظه گویشد که ایران در کنفرانس شرکت کند. حتی گسیل هیأتی را به تهران در نظر گرفته بود تا آیت‌الله را از راهی به حضور در کویت نماید. وزیر امور خارجه کویت در این باره گفت: "ما از غیبت ایران متاع سفیم ما این غیبت گناه ما نیست."

به این ترتیب و در غیبت یکی از طرفیای درگیر در جنگ چگونه می‌تواند راجع به جنگ خلیج فارس بحث کرد؟

بنجمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی که از روز ۲۶ ژانویه در کویت آغاز به کار کرده بود، صبح شنبه ۲۹ ژانویه به کار خود پایان داد.

کنفرانس اسلامی در بیابان‌ها نهایی خود ضمن ابراز نگرانی شدیداً زیلا گرفتار آتش جنگ بین جمهوری اسلامی و عراق خواستار پایان یافتن فوری هرگونه

ابوایاد مرد شماره ۲ سازمان رهای بیخس فلسطین (الفتح) و مسئول سرورسین اطلاعاتی این سازمان عقیده دارد که امروز چون دیروز، شرط اصلی آزادی گروهک‌های فرانسوی وابسته به آزادی انیس نقاش، رئیس گماندوی مسئول توطئه علیه جان شاپور بختیار است.

ابوایاد می‌گوید: "راه حل مشکل گروهک‌های فرانسوی در لبنان همان آزادی انیس نقاش است. درخواست‌های دیگر به تدریج اضافه شده است اما پس از ربودن بوئینگ ارفرانس در اوت ۱۹۸۴ و بردن آن به تهران نقاشی آزادی نقاش همچنان اساسی است."

در آنوقت هوا سیماربا یان بنج عضو کمی تدوراطلب می‌گردند که به قعدجان شاپور بختیار در ژانویه ۱۹۸۵ اقتصاد کرده بودند. ابوایاد می‌گوید: "بن شخصاً نزد رفیق دوست وزیرسپاه یا دارا نه شفا عت برآمد که دست کم مسافران را پیش از منفجر کردن هواپیما خارج کنند. حرا آزادی انیس نقاش این سنی ما لتا"

# تلفات سنگین بمبارانها



از گروههای خبری نهضت مقاومت ملی ایران

# رادیواکتیو در مواد غذایی

پس از انفجار نیروگاه چرنوبیل است که در آنجا رها روی دست صاحبان نشان مانده بود و هیچ کشوری راضی نمی شد آن را بخورد و این اقلام به ما موران بی سواد و بی اطلاع و نادان ولی بسیار رطبا خمینی فروخته شده اند چون ما موران مذکور در ازای حق حساب حاضر شدند این اقلام معیوب را معامله کنند طی چند روز این شایعه که رنگ حقیقت داشت در سراسر ایران بخت شد و عکس العمل مردم سیاب وحشت مقامات رژیم را فرا هم کرد. خطر آن در میان بود که اقلام خریداری شده روی دست رژیم باشد. هر چند مهمتر از این مسأله آنجا بیدمورد نگارانی جدی مقامات رژیم شده اند، وسعت بی اعتنا دی مردم در مورد حقانیت و مسئولیت شایسته جمهوری اسلامی نسبت به شهروندان است. استدلال مردم آن بود که وقتی حکومتی حاضر میشود به بهانه های واهی و بوج و صرفاً "برای ادا محیبات خودش هزاران هزار جوان جوشی و پیرشور را در میدان های جنگ به کام مرگ بفرستد چه نگرانی می تواند از کم وزیا داشتن اشعه رادیواکتیو در شیر خشک نوزادان و کره و پنیر مصرفی مردم حساب کند؟ بلافاصله پس از این شایعه، رژیم ناگزیر شد یک مقام و منصب من در آری در زمان آن نوزی اتمی به نام "مدیر واحد حفاظت در برابر اشعه" درست کند و این مدیر را با ترتیب دادن محاسبه مطبوعاتی و ادارکننده شایعات منتشره در میان مردم را تکذیب کند و یکی متکرر جنین عیبی در اقلام مواد غذایی وارداتی شود، این مقام طی محاسبه مطبوعاتی شایعات اعلام کرد هر محموله غذایی که به کمربند کشور وارد میشود توسط نمایندگان و کارشناسان این واحد مورد بازرسی قرار میگیرد و میزان برتوزایی آن از طریق نمونه گیری و سپس آزمایش در آزمایشگاه مرکزی انجام میگیرد و اگر خدای نکرده مواد غذایی دارای مواد رادیواکتیو به با شده صدمات کالین فرستاده میشود. تمام این مقدمات و تمهیدات برای آن بود که همین مقام وارداتی اعلام کرد که کره وارداتی از کشور تولید کننده و روگوته خریداری شده و متعلق به قبل از سانحه چرنوبیل بوده است. اما از آنجا که در ونگو کم حافظه میشود، این مقام بدش رفت تا در باره سنبل و بخصوص شیر خشک که با بدتوسط نوزادان مصرف شود حسرتی بزند. بهر حال مردم در مورد کره و پنیر تصمیمشان را گرفتند و زخیر آن گذشتند، اما در مورد شیر خشک وضع کاملاً فرق می کند. از آنجا که شیر خشک در باره حکم کیمیا را دارد و نوزادان با داشتن کوپن میتوانند از مزایای آن برخوردار شوند، اگر بیدموردی، بغرض بخواهد از دادن این شیر خشک های آلوده بچه ها بستان خودداری کند نباید بداند

یک کارشناس سا زمان چای کشور خیر از آلوده بودن محمول چای امسال لاهیجان به مواد رادیواکتیو میدهد. به گفته های این کارشناس محمول امسال چای لاهیجان که برای صادرات در نظر گرفته شده بود تنها جبران کمبود رزی ناشی از کاهش قیمت نفت را بنما میدقتی از سوی بازرسان نمونه برداری شده مورد آزمایش قرار گرفت معلوم شد که دارای مقدار زیادی مواد پرتوزا و در نتیجه غیر قابل صدور می باشد. به گفته این کارشناس میزان مواد رادیواکتیو موجود در محمول چای امسال لاهیجان به سه برابر محمول و در نتیجه خطرناک و مضر تعیین شد و صدور آن ممنوع گردید. به گفته همین کارشناس این چای ها قرار است در اختیار مصرف کنندگان داخلی قرار گیرد. این نخستین بار نیست که اثرات حاصل از فاجعه نیروگاه اتمی چرنوبیل در اسران مشاهده میشود. روزنامه "رسالت" در شماره ۱۶۹، نوزدهم مرداد ماه، درست چند روزی پس از فاجعه چرنوبیل، خبرهای موحشی درباره اثرات این انفجار چاپ کرد. رسالت نوشت: "طبقاً اطلاعات واصله، اخیراً در شهر آستانه آثار آری از تشریح ششها اتمی (رادیواکتیو) حاصل از انفجار نیروگاه چرنوبیل دیده شده است. در این شهر چندین باغ میوه از زمین رفته و تعدادی از مردم این شهر دچار گوری شده اند، برخی از پزشکان و متخصصین نیز وجود ششها را در دیوار اکتیو یافته و در آنها مواد غذایی منطقه تا پیدا کرده اند. چاب این خبرتکان دهنده که دولت سعی داشت با بی تفاوتی از کنار آن بگذرد و تا جایی که ممکن است به آن اهمیت ندهد، نگرانیهای بسیاری در منطقه شمال ایجاد کرد. در عین حال، چاب این خبر یکی از علتهای بود که روزنامه "رسالت" را مواجه با انتقادات شدید خمینی کرد. گرچه دولت کوشید در برابر نگرانیها و اضطرابهای مردم خود را خونپردویی تفاوت نشان دهد، اما گفته میشود حتی محمولات مرکبات امسال یعنی نیز برکنار رتاء شیرات رادیواکتیو نیست. منطقه شمال، به علت نزدیکی با مرز همسایه شمالی، در معرض تهدید بارانهای ریزش ناسی زانفجار نیروگاه چرنوبیل بوده است. تنها محصولات داخلی نسبت که بدون هیچگونه رعایت موازین بهداشتی و در نظر گرفتن سلامت شهروندان در اختیار مصرف کنندگان قرار می گیرد. در نتیجه بی سوادی، بی اطلاعی و عدم درک مسئولیتها موران جمهوری اسلامی، بتازگی اقلام وارداتی نیز پیدا "مشکوک و مظنون به داشتن مواد رادیواکتیو تلقی شده است. بخصوص در بین مردم شایع است که اقلام وارداتی بنیرو کره و شیر خشک که در آستانه توزیع قرار گرفته و ظاهراً از کشورهای اروپای شرقی خریداری شده، محصول آب دیده

هر چند حتی وقتی نام رقا می چلی را به عنوان تلفات بمباران شهرها منتشر می کند، معمولاً چنان دورا زواقعبیت است که مردم، بسته به موقعیت، یک یا دو صخر جلوی آن ارقام می گذارند و آنرا به عنوان تلفات واقعی بمبارانها قبول میکنند. به عنوان مثال، وقتی دراصفهان مجالس ترحیم برای کشته شدگان بمبارانها برگزار میشود، وابستگانیکه دمدر مسجد می ایستند به اشخاصی که وارد مسجد میشوند به صراحت یا آ و می شوند که این مجلس برای ۸ نفر یا ۱۲ نفر یا ۲۲ نفر برگزار میشود. درحالی که در همان روز جمهوری اسلامی خیر از دور سه نفر تلفات داده بوده است. و تا زمان یکی از مجالس ترحیمی است که متعقد شده است، مردم اصفاها، بخصوص ساکنان محله قدیمی شهر، محله فروغی که هدف اصلی هواپیماهای عراقی است، شهر را تخلیه کرده اند. آنها بی کسب امکانات داشته اند به شهرهای دیگر کوچیده اند. مردم گریخته از بمبارانها در خیابانهای یزد شبا بیخوته میکنند. طی هر بمبارانی معمولاً بین اهالی مصیبت دیده و حزب اللهی های ما موری که بلافاصله به محل بمباران آورده میشوند تا شعار "جنگ جنک تا پیروزی" سر دهند، درگیریهای شدید رخ میدهد. گفته میشود تعداد زیادی از آنها لیدستگیر شده اند. رژیم کیمینا که از بالا گرفتن ناراضیها است، صراحتاً از طریق رادیو افغان از مزدوران خواسته است که "آشوبگران" را به کمیته ها معرفی کنند. عکس العمل خشم آلود مردم شهرهای مصیبت دیده، با لافره خامه بی، رئیس جمهور، را وادار کرد تا آمار وارقا می چلی از بمبارانها را تهددویک کاسه میزان تلفات را اعلام رد تا برای اعتراض مردم تبریز و اصفاها و قم و زقول و سقز و ناه و بروجرد و همدان و شهرهای دیگری که در معرض بمبارانها بوده اند سروشی بگذارد. حجت الاسلام خا منتهی در نماز جمعیه امروز، سوم بهمن ماه، اعلام کرد که هواپیماهای عراقی جمعا ۲۹ شهرایران را ۹۶ بار بمباران کرده اند. تعداد تلفات تا این بمبارانها ۱۸۰۰ نفر و تعداد مجروحین ۶۰۰۰ نفر بوده است. ارقا می که حجت الاسلام خا منتهی را شده اند، مثل همه چیزی که از سوی جمهوری اسلامی عنوان میشود، یک دروغ محض است. در سنج تلفات چنان بالا بوده که ارقا می آنرا ۲۰۰۰ نفر یا لاترا از ارقا می را شده توسط مقامات رسمی است. در بروجرد تعداد ۳۰۰۰ فرزند هواپیماهای عراقی بر فراز شهر

پس از دوسال آزارش نسبی، بمباران هفته پیش تهران دوباره همان اضطراب و نگرانیها را در این شهر غم زده زنده کرد. یک هواپیما عراقی، در روز روشن و کمی بعد از ظهر، دونقطه را در شمال شهر بمباران کرد. شاه آبا دنیاوران و ولنجک، هدف اعلام شده، ما و مقر خمینی بود، اما فلامی بعید و بسیا دورا زهم بمبارانها تا پیشتر عدم مهارت خلبان های عراقی است، یا صرفاً پوششی برای تخفیف احساسات ضد عراقی علیه این بمباران بوده است. عراقی ها ظاهراً "امیدوار بوده اند وقتی عنوان کنند که قصد داشته اند بمقرب خمینی را در هم بکوبند مردم تلفات و خسارات ناشی از این بمباران را بزرگ "هدف مقدسنا" خوانند بخشد. بمبیکه در ولنجک به یک واحد مسکونی اما بیست کرد، بنا به اظهار مقامات رسمی، سه کشته به جا نهاد. این واحد مسکونی معادریسی بود و در آن یک پاسدار با اعضای خانواده اش میزیست. در این بمباران دوفرزند با بدارکشته شدند. این واقعه ما را متذکر اولین بمباران عراقی ها در دوسال پیش میکنند که منجر به کشته شدن چند نفر شد. در همان موقع، حجت الاسلام رفسنجانی در نماز جمعیه با افتخار و همراهمانها حتی با ورنکردنی خیر داد که بمب به خانه یک خدا نقلایی اما بیست کرده، در آن وقت هاشمی رفسنجانی این واقعه را یک فضای الهی نامید، اما در مورد اولین بمباران امسال معلوم نیست استدلال حجت الاسلام رفسنجانی چه باشد. جز اینکه ظاهراً بخت با یقین جمهوری اسلامی برگشته باشد. بمب دیگری نیز در همین ولنجک به محوطه دانشگاه علوم زمین دانشگاه ملی اما بیست کرده که تلفات به بار نیارده، اما تعداد مجروحین زیاد بوده است. اما بمباران دانشگاه تبریز یکی از فاجعه آمیزترین بمبارانهای دور اخیر "جنگ شهرها" قلعه ادمیشود. حوالی ده شب، هواپیماهای عراقی یک بمب را درست بر سر اسفهان انداختند فنی دانشگاه تبریز انداختند. ۲۶ تن از دانشجویان سال آخر که سرگرم کار روی پروژه ای میان تحصیلی خود بودند در این بمباران جان باختند. گفته میشود پروژه دانشجویان فنی به محضت سازی مربوط میشد و احتمال داده میشود که مقداری میقات نیز در اسفهان انداخته فنی موجود بوده، چون انفجارهایی سن از اما بیست بمب رخ داده که قدرت تخریب را تا حدود زیادی بالا برده است برخی از حدسها به این اشارت دارد که احتمالاً دانشجویان داشتند بر روی یک موشک کار می کرده اند. عکس العمل مردم تبریز نسبت به تبلیغات رژیم در زمینه خبرهایی که از بمبارانهای این شهرانتشار میدهد بسیا رخش آلود است. رژیم فالبا "تعداد تلفات و مجروحین تبریز را، بخصوص، نامعلوم اعلام میکنند،

# اخلاق ضد علم

بقیه از صفحه ۱

کار بیسوادی برخی استادان در دانشگاه‌های پزشکی بدانجا رسیده است که خبرنگار روزنامه کیهان (چاپ تهران) از وزیر بهداشت و درمان می‌پرسد: "ششده می‌سود که سطح عمومی برخی استادان پزشکی با این است، نظر شما چیست؟"

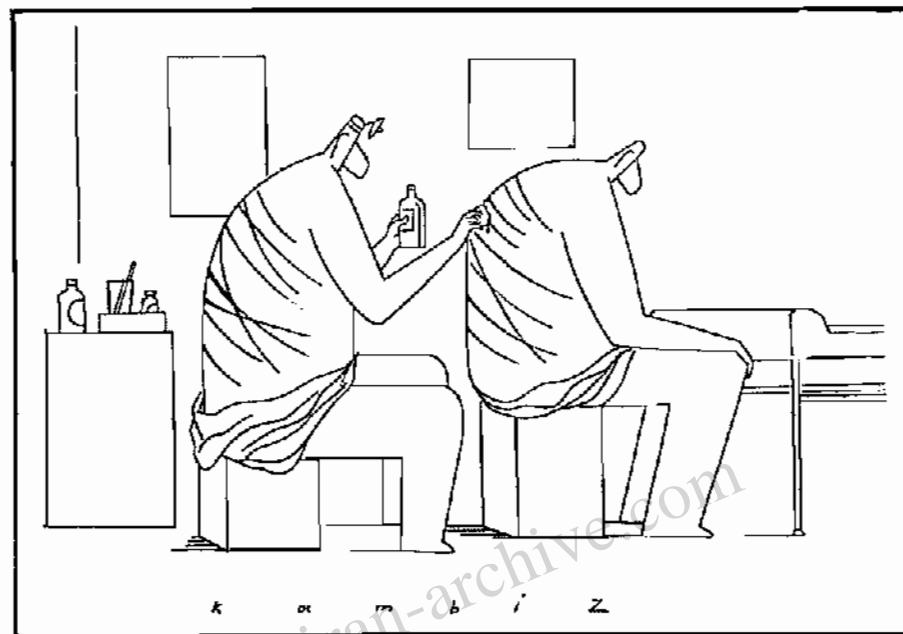
وزیر بهداشت، که بتازگی با حکم کتبی سید احمد خمینی به عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز درآمده است، به این پرسش خبرنگار جواب منفی نمی‌دهد، نمی‌گوید: نه، استادان بیسواد نیستند، بلکه کناره‌ها به گردن شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌اندازد. می‌گوید: "ما تئودا دانشگاه را شورای عالی انقلاب فرهنگی، که کمیته‌گزینش استاد هم دارد، هم زلحاظ اخلاقی و هم زلحاظ علمی گزینش می‌کند، بنسب برای سطح علمی استادان مورد قبول شورای عالی انقلاب فرهنگی و هیأت گزینش آن بوده است که به عنوان استاد پذیرفته شده‌اند."

بدین ترتیب وزیر بهداشت پس از آن که تنها بیسوادی برخی استادان را به گردن شورای عالی انقلاب فرهنگی انداخت، برای آن که محکم‌کاری کند و خود را زهرگون‌خا دهنه احتمالی مسوون بدارد، می‌افزاید: "ممکن است اسنادی مسأله خاصی را اشتباه کند، ولی رویه گرفته ما چنین اطلاعی مطلقاً نداریم، یا لااقل گزارشی در این مورد به ما نرسیده است..."

خبرنگار روزنامه کیهان "املا" نکوشید

بهیاد آقای وزیر سلامی بیاورده که با وجود مخالفت گسترده مقامهای پزشکی و دانشگاهی و همه کسانی که هنوز آموزش را در کشور جدی می‌گیرند، چگونه با دسیسه گسترده‌ای دانشگاه‌های پزشکی را از دانشگاه‌ها جدا ساختند و آنها را زیر

حیت کبکی بلکه از حیث کمی نیز لطمه دیده است. وزیر بهداشت، پیش از انتقال دانشگاه‌های پزشکی از دانشگاه‌ها به وزارتخانه، نامبرده می‌گفت اگر این انتقال صورت گیرد، ظرفیت پذیرش دانشگاه‌های پزشکی را بسیار بالا نر خواهد بود. و این کار را به گونه‌ای هم کرد، منتها در حرف نه در عمل. بدین معنی که به میزانی بسیار بیشتر از زنگنه پیش دانشگاه‌ها دا نتجو پذیرفتند، ولی عملاً از نامنوبسی دانشگاهیان و شرکت‌ها در آن در جریان تدریس خود را برکنارند.



نظارت وزارت بهداشت قرار دادند. در آن روزها همین آقای وزیر بهداشت شش لاف می‌زد که مگانا ت آموزش بسیار بهتر و بیشتری در اختیار دانشگاهیان پزشکی قرار خواهد داد، به نحوی که این دانشگاهیان "اصلاً" یا در روزهای وابستگی به دانشگاه‌ها را نکنند. و اکنون این کسی جز خود او نیست که اعتراف می‌کند آموزش پزشکی نه تنها از

خود وزیر بهداشت است این نیرنگ را قبول دارد، می‌گوید: "درست است، ما تعداد دانشگاهیان پزشکی که ما بیشتر از ظرفیت گرفته‌ایم، و این دولت را در یکی اینکه دانشگاه علوم پزشکی جدا کرد، ظرفیت خود را بیشتر از آنچه بود اعلام کرد، و دیگر آن که شورای عالی انقلاب فرهنگی در حدود ۲۵ درصد از متقاضیان را رد کرد. بدین ترتیب نه تنها می‌کند دانشگاه علوم

پزشکی ظرفیت خود را بیش از اندازه اعلام می‌کند، وزیر بهداشت خود را گنا هکار می‌داند و نه هنگامی که شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۵ درصد از درخواست‌کنندگان دولت نداشت، فقط روی دیگر سکه بود: دانشگاه علوم پزشکی ظرفیت خود را عمداً "بیش از اندازه" اعلام کرد تا وزارت بهداشت و نامبرده که بهتر از دانشگاهیان کنورمی توانند آموزش پزشکی را پیش ببرند، ولی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۵ درصد از قبول شدگان مسابقه ورودی را کنار گذاشت تا ظرفیت دانشگاه علوم پزشکی را با تعداد دانشجویان هماهنگ گرداند.

اما این فقط اصلاح اشتباهی نبود. وقتی متقاضی بسیار و ظرفیت محدود است، چاره‌ای جز گزین کردن نیست. ولی در یک موه سه علمی، معیار گزینش سطح علمی و صلاحیت فنی باید باشد، حال آنکه در گزینش دانشگاهیان پزشکی، امسال نیز ما ننده‌ایم گذشته، "بهترین‌ها" مطابق این معیار انتخاب نشده‌اند که سطح علمی شان بالاتر از دیگران است، بلکه معیار اصلی "اخلاق اسلامی" بوده است.

کیست که ندهد شورای عالی انقلاب فرهنگی بدین ترتیب سطح اخلاق را در دانشگاه‌ها بالا نمی‌برد، فقط سطح آموزشی را پایین می‌آورد.



## فرار از بمبارانها

موج مهاجرت مردم شهرهای بمباران شده به سوی نواحی امن بدویزه تهرسان و شهرهای شمالی ایران ادامه دارد. به گزارش خبرنگار روزنامه کیهان، براتر هجوم هزاران تن از اهالی شهرهای که در هفته‌های اخیر توسط هواپیماهای عراقی بمباران شده‌اند، چهره تهران دیگرگون شده است. افزایش عبور مسرور اتوبوسها با سماره‌های قم، همدان، تبریز و کرماتنا در سطح شهر تهران، کمپانی بین‌الزمین ما بحتاج روزمره و ازجا مردم در مقابل فروتنی‌های مواذغذایی و خریدهای شتابان بمنظور ذخیره‌سازی مواذغذایی از جلوه‌های بان هجوم اهالی مناطق بمباران شده تهران است.

در این میان هجوم مردم قم برای خروج از شهر بندت گرفته است، اما با سدا را ن فقط با فراد غیر محلی اجاز خروج می‌دهند و از خروج ساکنان قم ممانعت بعمل می‌آورند.

در بخش دیگری از این گزارش آمده است، در حمله‌ای که منجر به شهیدان و مجروحان از دانشگاه فنی دانشگاه تبریز گردید، دوشن از استادان دانشگاه تبریز ۲۲ تن از مهندسان و استادکاران همراه با بیست تن از شورای انتظاری رژیم کشته شدند. این افراد در محل دانشگاه فنی تبریز، مشغول ساختن میقات جنگی بودند.

برای این گزارش در سراسر ایران نبریز، نواحی و محله‌های لاله، بیضا زحالی، بیست و پنج شهر سو، خاسان جانی، مقصودیه، عباسی، خاسان عبور، کوی ولیعهد، حوالی کارخانه سری لانج و سارنج هدف گرفته شده‌اند.

## سرگیجه مطبوعات بین‌المللی

مردم به کسب و کار روزانه مشغولند، بزم‌های شبانه همچنان برپاست، سفارها پرازمای و مرغ و سبزیهای تازه است. پیدا است که حداطلاع او از اوضاع جامعه ایران در همان حداطلاعی است که از زبان فارسی دارد و "بهشت زهرا" را به "فواره خون" ترجمه می‌کند!

و طرفه اینکه روزنامه‌ها، پارسانال در گزارشهایی که از بغداد می‌فرستادند، تقریباً "چیزی همانند دربار" این شهر می‌گفتند. و با طرفه اینکه رسانه‌های جمهوری اسلامی، که معملاً "با امیرالایسم خبری" و "رسانه‌های زیر نفوذ صهیونیسم" خصومتی آشکار نشان می‌دهند، این گزارش‌ها را با آب و تاب تمام تکرار می‌کنند.

به حساب این رسانه‌های خبری تاکنون دوسرزمین ایران و عراق چندبار جنگ را برای همیشه ختاند. به حساب این رسانه‌ها، هربار یکی از دو طرف چنان صدمه سختی دیده است که دیگر برای سالها

هنگامی که انسان به جنگ خونین شش ساله میان جمهوری اسلامی و عراق می‌نگرد، بعد از زلزله‌ای از بیهودگی آن را می‌بیند. مدام کشته‌ها را شمارش کردن، مدام از مجروحان آمار برداشتن، مدام اسیران را به پشت جبهه فرستادن، و گه گاه نما پندگانه رسانه‌های همگانی را به دیدار میدان‌های جنگ بردن - اینها رویدادهایی است که کمترنگاه می‌دهد حتی یک قدم فراسوی آن‌ها می‌افتد، و اگر هم بیفتد، مایه دل‌مشغولی رسانه‌های همگانی بین‌المللی نیست.

بتا زکی فرستاده روزنامه مهم بین‌المللی "هرالد تریبون" در گزارشی از تهران، کورستان "بهشت زهرا" را "فواره خون" ترجمه کرده نوشته است که "فواره خون" تعبیه شده در محل "بهشت زهرا" نام خود را به این کورستان بزرگ تهران داده است. همین روزنامه، در همین گزارش نوشته است که در تهران، انگارنده انگار که جنگی در جریان است،

نمی‌توانند کم راست کنند، با زهم به حساب این رسانه‌ها هر بار ریزوری یکی دیگر دیگری چنان چشمگیر بوده است که کارشناسان مهمنظ می‌انگشت به دهان مانده‌اند.

آیا از این تحسین‌ها یا بدبا دیده‌آستین افکنند، یا به عکس از آن تکذیب‌ها یا بدبا ملول شد؟ هیچ سببی برای یاد به آستین افکندن وجود ندارد، ولی آسیاب ملال از آنرومهیاست که دولت، که هیچ سبب واقعی برای دشمنی ندارد، در یک صحنه خونین نبرد طولانی به جان یکدیگر افتاده‌اند و تا جایی که هیچ علاقه‌ای به سر نوشت آنها ندارند، یک بار برای این و بار دیگر برای آن کف می‌زنند و هورا می‌کشند. آیا آیت‌الله خمینی این را می‌داند که در روز قدیم‌ها تا چنان نسبت به کلاسیا تورها چه حساسیت داشتند؟ آنها را در ردیف انسان نمی‌دانستند، ولی در وقت مصاف برای آنها کف می‌زدند و هورا می‌کشیدند. خمینی ملت‌های ما را عملاً تا سطح کلاسیا تورها با این آورده است.



# امریکا و جمهوری اسلامی

جورج شولتز، وزیر امور خارجه امریکا روز ۲۷ ژانویه اظهار داشت که در صورتی که جمهوری اسلامی سیاست تروریستی و تعرض آمیز خود را بکنا رگذا رد، ایالات متحده حاضر است روابط خود را با این کشور بهبود بخشد.

شولتز که در برابر کمیسیون روابط خارجی سنا سخن می گفت اظهار داشت که در روز ۱۳ دسامبر گذشته، دوما مورچه جمهوری اسلامی با نمایندگان دولت امریکا در فرا تکفورت ملاقات کردند. اما از آن پس دیگر ارتباطی بین دو کشور وجود نداشته است. وی افزود با وجود این سنا از کروکا نکبری تهران ببعده همواره میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی از طریق حکمیت رابطه وجود داشته است. شولتز درباره حکمیت توضیحی نداد.

وی همچنین تأکید کرد که پس از فروش پنبه نی اسلحه به رژیم تهران که بشصوبیب و تا بیه یزیدت ریگان رسیده بود هرگز قانون تحریم ارسال و فروش اسلحه به ایران چه مستقیماً یا غیر مستقیماً نقض نشده است. وی در مورد ملاقات ۱۳ دسامبر توضیح داد که این ملاقات صرفاً به این منظر بوده است که ایالات متحده به جمهوری اسلامی پیغام دهد که قصد دارد از آن پس اسلحه به ایران تحویل دهد. بنا به نوشته روزنامه های امریکایی، در این ملاقات نمایندگان رژیم تهران طرحی برای تهیه اسلحه از امریکا و آزاد سازی زندانیان کویت در برابر آزاد کردن گروگانهای امریکایی تسلیم نما بینندگان دولت امریکا کردند. شولتز نیز ضمن گفته های خود تأکید کرد که جورج کیو، یک مقام عالی رتبه مخالفات های وزیر خارجه اندکی پس از ۱۳ دسامبر ملاقات دیگری با یک نماینده رژیم تهران داشته است.

# در کفرانس کویت

جنگ میان جمهوری اسلامی عراق، روز سه شنبه ۲۷ ژانویه در صدام کفرانس نجفین اجلاسی کفرانس اسلامی قرار داشت و پیشنها های جدیدی برای پایان دادن به این جنگ مطرح شد. از جمله توسل به داور بین المللی و همچنین قطع تحویل اسلحه به دوطرف درگیر در جنگ.

بر اساس همین گزارش، برزده و کوشسلاز دبیرکل سازمان ملل متحد، که در کفرانس اسلامی به عنوان میانجی شرکت کرده است روز دوشنبه ۲۶ ژانویه طی خطابه ای گفت، مسئله جنگ خلیج فارس باید به یک کمیته ذیصلاح واگذار شود تا بتواند به میانجیگری دست بزند.

لازم به یادآوری است در کوشش های که تا بحال در این راه به کار رفته، جمهوری اسلامی همواره اصرار داشته است که قبیل از هرگونه مذاکره ای، عراق به عنوان متجا و زشنا خسته شود.

برزده و کوشلاز درباره ای این کمیته توضیح بیشتری نداد اما افزود که برای انجام چنین کاری، نخست باید میان در دو طرف آتش بس برقرار شود، تا کوشش های میانجیگری نتیجه برسد.

از سوی دیگر حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، پس از سفر در دست حنی مبارک رئیس جمهوری مصر، در راهرو تالار کفرانس طی نطقی، به استناد دملایمی از روش مصر دست زد.

بعلاوه حافظ اسد امین جمایل رئیس جمهوری لبنان نیز پس از یکسال گذورت روز ۲۷ ژانویه در جلسه ای جلسه، با یکدیگر ملاقات و گفتگو کردند.

خبرگزاریها - ۲۷ ژانویه ۸۷

**تلفن خبری**

**نهضت مقاومت ملی ایران - لندن**

شماره ۴۲۱۰۶۶۸

متحد شده اند. از سوی دیگری مقام مسئول امریکایی گفت: مسلم این است که رژیم جمهوری اسلامی بر حزب الله لبنان نفوذ دارد، همچنانکه حزب الله لبنان نیز خود را طرفدار جمهوری اسلامی نشان داده است.

# شهر سوگواران

جرالد سابت، خبرنگار وال استریت جورنال که از تهران با دیدنی کند، در گزارشی زیر عنوان روزه های تهران می نویسد: کورستان های با تخت ایران، به طبعی سا زارهاست. جرالد سابت می نویسد:

گرچه شهران بظا هرا ز دسترس جنگ ایران و عراق دور است، اما در آن کورستان های وجود دارند که در آن نمی توان سرک و وحشت را نادیده گرفت. کورستان های به نام بهشت زهرا، بهشت زهرا کورستان وسیعی است در خارج از شهر تهران. کورستان های که به شهیدان جبهه تقدیم شده است. در سراسر ایران و عراق، در این مکان بهترا زهرجا میتوان نهایت کشتار و رنج انسان را که از جنگ ناشی می شود دید و دریافت.

هزاران گوردر کتار هم، همچون محتج های خانه های سا زمان های ردیف شده اند. و علائم رهنما عزاداران را یکراست به سوی مجتمع های گورها راهنما می کشد. در میان کورستان ها قرارهای عظیم با آبی سوخ رنگ می جوشد تا یادآور خون سرخ ک ریخته کسائی با شکره در این مکان آرا گرفته اند. چرا که سب که از کورستان بهشت زهرا بازدید کرده، در شرح مشاهدات خود در این کورستان می نویسد:

هم اکنون به کاروان سوگواران همزمان در راه است. مردان، در نزدیکی در ورودی کورستان جسدی بر فراز سرشان می برند و زنان مسویه کنان در بی آنها بای می کشند. گوشه ای دیگر، در همان نزدیکی نعشی را در گوری تازه حفر شده نهاده اند و چند زن غویشا و نند او، کریا و مویان به درون جاله کور او خیزیده اند تا با چند دقیقه ای بیشتر در کنارش باشند. سمار عزاداران دسته سوم چندان انبوه است که کوردیده نمی شود. چرا که سابت می افزاید:

از یاد می نماند که در کورستان تهران مردگان شویک تا زهای می سازند همزمان با حرکت کاروانیان سرک، بولدوزر زرد رنگی نیز در جوار کورستان زمین را مافروا مده می کشد و تا بوت های جوی تنگ ونازک به انتظار رویت در این سوی و آن سوی برانگنده اند.

وال استریت جورنال - ۲۸ ژانویه

# استثنا و قاعده

جرج بوش معاون ریاست جمهوری امریکا در مصاحبه ای با تلویزیون ای بی سی. امریکا اظهار داشت: فروش اسلحه به جمهوری اسلامی سیاستی قابل بحث است اما ما نمی توان آن را "اشتباه" نامید.

جرج بوش که در مصاحبه برش های گزارشر تلویزیون ای بی سی در مورد فروش اسلحه به جمهوری اسلامی سخن می گفت افزود: "گرچه ممکن است در نظر اول این سیاست اشتباه به نظر برسد، اما این موضوع قابل بحث است. و اگر موقعیت سهم جغرافیائی ایران را در نظر بگیریم این سیاست شاید قابل توجیه هم باشد. این امکان نیز وجود داشت که تحویل مقادیر کمی اسلحه به جمهوری اسلامی به برقراری رابطه با عنا صرمیانه سه روز در جمهوری اسلامی منتهی شود و در از آمدت به حل منقضه جمهوری اسلامی و عراقی بیانجامد.

معاون ریاست جمهوری امریکا افزود: در نگاه اول چنین نظری رسد که فروش اسلحه به رژیمی که حامی تروریسم است کاری اشتباه است. اما زمانی که ما کاشی اشتباه تا عده کلی را تا شدمی کند. جرج بوش اضافه کرد: در حال برعیده تاریخ است که ما بت کدها این سیاست، سیاستی اشتباه آمیز بوده است یا نه.



# ریگان

# من خطر کردم

امریکائی در لبنان بوده است. این اظهارات با گفته های قبلی ریگان که تا کنون هدف از ایجاد رابطه با تهران جلب آزادی گروگانها نبوده معایرت دارد.

خبرگزاریها - ۲۸ ژانویه ۸۷

# مبارک واسد

به گزارش خبرگزاری رسمی کویت، عصر روز سه شنبه ۲۷ ژانویه برای نخستین بار پس از قطع مناسبات سوریه و مصر دیدار کوتاهی بین رهبران دو کشور در کنفرانس سراسر اسلامی در کویت رخ داد. به گزارش خبرگزاری کویت، هنگامی که حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه و حنی مبارک رئیس جمهوری مصر، برای ادای نطق های خود به سوی سالن کنفرانس می رفتند تا یکدیگر را ببینند، برخلاف انتظار رهبران دو کشور با تبسم به سوی یکدیگر رفتند و مدتی طولانی دست یکدیگر را فشردند و پس از مکالمه ای کوتاه هرا ه خود را بسوی سالن کنفرانس ادا کردند.

سوریه رسال ۱۳۵۸ پس از امضاء بیمان کعب دیوید بین مصر و اسرائیل، روابط خود را با مصر قطع کرد. حافظ اسد همچنین در مصاحبه ای با روزنامه کویتی "القبیسی"، "حنی مبارک" را "مردی جالب" توصیف کرد و افزود: اختلافات سوریه و مصر جنبه سیاسی دارند جنبه شخصی.

خبرگزاریها - ۲۸ ژانویه ۸۷

# آدم ربایی ها

روز ۲۸ ژانویه گروهک جدیدی موسوم به جبهه داسلامی برای آزادی فلسطین، مسئولیت ربودن چهار سنا در دانشگاه امریکایی بیروت را برعهده گرفت.

طی بیانیه ای در جبهه رصحه به فرمان امریکایی همراه با تصویری از ابروت بلهیل یکی از سنا در آن رپوده شده، که به یک خبرگزاری غربی در بیروت فرستاده شد، این گروهک تروریستی ضمن تأکید بر ربودن آنان، هر چه رتن را به جاسوسی برای امریکا زیر پوشش تدریس در دانشگاه متهم کرد.

سنا امریکائی دیگر، آلن استین استلرد ارتباطات، جسی ترنر سنا در ایضات وکا منیوتز، ویک هندی تبعه امریکسا موسوم به "میتی لشارسینگ" رئیس دانشکده مدیریت است. این چهار رتن روز ۲۴ ژانویه توسط تروریست های ملیس با و شیغورم پلیس در داخل دانشگاه با زداشت شدند.

در این بیانیه همچنین به مدت از با سر عرفات به خاطر نقش وی در روابط مصر و اسرائیل انتقاد شده است. در بیانیه گفته می شود جنبش اسلامی پا به زانو در آوردن بزرگترین کرک استکبار جهانی، درس خوبی به همه داده است. سنی بیانیه به استناد ز کفرانس سنی اسلامی پرداخته می نویسد: اگر دولتهای عرب خرد کویت علیه ملل مسلمانان

طبق گزارش های رسیده از واشنگتن روز سه شنبه ۲۷ ژانویه رساله لدریگان در نطق سالانه خود که طی سنت امریکا در اوائل هر سال تحت عنوان "تشریح وضع ایالات متحده" از سوی مقام ریاست جمهوری در برابر برکنگراه ایرا دمی شود، سنا در با کوچک جلوه دادن قضیه فروش اسلحه به جمهوری اسلامی جنجال مشهور به "ایران کیت" را بخواباند و آنرا در اذهان عمومی به فراموشی بسپارد، مسایخ قوری و انقضا شدیدا پوزیسیون دمکرات و مطبوعات امریکا کویت ای آنت کهریگان در این تلاش موفقیتی بدست نیامد.

بنوشته خبرگزاری فرانسه، در نطق طولانی پنجهزا رگلعه ای خود، ریگان که بسیار رسال بنظر می رسد فقط دو بار گرا تا را به قضیه مهم فروش مخفیانه اسلحه به جمهوری اسلامی تخصیص داده بود و حال آنکه حزب دمکرات، مطبوعات و مردم امریکا انتظار داشتند که رئیس جمهوری ونگتا ت طرح معامله با جمهوری اسلامی ونگتا ت مهم و مرموز ما جرایی "ایران کیت" و ارسال سول سروس اسلحه به شورشیان نیکیا را کوآ را فاش کند. ولی برخلاف انتظار همه، ریگان فقط به این جمله بسنده کرد:

"اشتباهات بزرگی صورت گرفته است که تمام مسئولیت آن را سخا برعهده می گیریم." سرزیدت ریگان اضافه کرد: "من در مورد ایران ریسک کردم و متا سفارته این ریسک، با شکست روبه رو گردید. ولی گذشته ها گذشت و مردم امریکا نباید از این شکست یک عقده بسازند بلکه باید با دیدن طر منافع ملی این ماجرا را فراموش کرده و پیش به سوی آینده رفت. به ویژه آنکه نگاه تمام مردم دنیا بطرف امریکا خیره شده و ما نباید بگذاریم که اختلافات جناحی و درونی ما با ضعف کشورمان گردد."

خبرگزاری فرانسه میا فراید با اظهارات سنا تور ابروت برد، رهبر حزب اکثریت دمکرات در سنا که بلافاصله بعد از نطق ریگان با مطبوعات معامیه داشته نشان می دهد که توضیحات کوتا در یگان در باره ماجرای ایران، مخالفان دولت را به هیچ وجه قانع نکرده است.

این خبرگزاری به نقل از سنا تصور ابروت برده می نویسد: مسئله فروش مخفیانه اسلحه به جمهوری اسلامی مسئله ای نیست که بشود آنرا از آن گذشته و بعد فراموشی سپرد. این قضیه، اطمینان ملت امریکا را از دولت ریگان سلب کرده و کفایت و صلاحیت دولت را مسورده قرار داده است.

سنا تور ابروت برد اضافه کرد: دولت ریگان موظف است تمام حقایق را با زگو کند. و توضیح دهد که چه تحولاتی باعث شد که در آزادی گروگانها تنها به معامله اسلحه سوق داده شود و ریگان با پیدا اعلام کند که مسئولیت تعیین سیاست در کراخ سفیدبا کیت؟

گزارشها حاکی است که در نطق ۲۷ ژانویه خود ریگان اظهار داشت که قضیه ایران بدان معنا نیست که سیاست امریکا در منطقه تغییر کرده، بلکه تا کنون کید کرد که سیاست امریکا همان سیاست قبلی است و چنانچه منافع امریکا با دوستان امریکا در منطقه در معرض خطر قرار گیرد، واشنگتن بیچاره نخواهد نشست و به هیچ گیری تروریست ها نیز سنا در نخواهد داد.

با این حال ریگان برای نخستین بار اعتراف کرد که یکی از دلایل معامله با جمهوری اسلامی بخاطر آزادی کروگانهای

### فرهنگه ایرانیان

محمد جعفر محبوب

## شاهنامه فردوسی و شرح شگفتی های گیتی

تصویری که همگان از شاهنامه استا دطوس دارند، و تا حد زیادی نیربه حقیقت نزدیک است، این است که شاهنامه کتابی است تاریخی و حماسی. این تصور درست است، با این حال بسیار چیزهای دیگر نیز هست که اگرخواهیم قدیم ترین منبع و منشأ آن را در زبان و ادب فارسی جستجو کنیم، باید به شاهنامه روی آوریم.

یکی از عناصر بسیار مهم در شاهنامه سرایی شرح شگفتی های گیتی ( شگفتی های واقعی یا خیالی ) است. داستان پردا زهرمان خود را در اوطانیا نه، یا براتر پیش آمدن خود اوشی خا صی در نقاط مختلف جهان می گرداند و از جانب، یا از زبان اوشگفتی های جهان را باز می گوید. از این مآذ در اکثر داستان های ادبی و عوامانه فارسی استفاده شده است. اسدی، قهرمان خود کرش را به جای گوناگون می برد و عجایب جهان را شرح می دهد. در داستان های ما ننده را با نامه، قعه فیروز شاه ( یا دارا نامه )، هزارویک شب و حتی کتاب های جدی تر، مانند ویس و رامین و مثنوی مولانا نیز نشان این گونه منظرپردا ها را می توان یافت. با این حال قدیم ترین جای استفاده از این عنصر داستان سرایی، شاهنامه فردوسی است.

زهر برهن بجایی رسید  
یکی بی کران زرف دریا بدید  
بمان زنان مرد، پوشیده روی  
همی رفت با جامه و رنگ و بوی  
زبانها نه تازی و نه خسروی  
نه سرکی نه چینی نه پهلوی  
هم آنگاه کوهی برآمد ز آب  
بدو پیاره سدرزد چون آفتاب  
سکندر یکی تیزگشتی بیست  
که آنرا ببیند به دیده درست  
دانایان و فیلسوفان اسکندرا از این کار با زدا شدند.  
گروهی نزدیک سی تن از روسیان و یارسیان، کشتی  
گرفتند و بدان کوه نزدیک شدند. اما:  
یکی زرد ماهی بد آن لغت کوه  
هم آنگاه چون تنگ اندر آمد گروه  
فرورد کشتی هم اندر تاب  
هم آن گروه سد ناپدید اندر آب  
اسکندرا آن جا گذشت و به نیستی رسیدگفتی های  
آن چون چناری ستر بود و بالای آن به نیجا ک  
می رسید. از آن جا گذشتند و به کنار دریا بی ژرف با آبی  
شیرین و کوار رسیدند. لشکر فرود آمد و سرا پرده ها زدند و  
مستقر شدند، اما این ناحیه پر از آفت های گوناگون بود:  
حوا خوردند و گرد آفت خراب  
سی ما ربیجان برآمد آب  
وران بیشه کزدم جو آتس سرنگ  
جهان بدیر آن خفتگان تاروتنگ  
هر کوهسای در، فراوان بگرد  
بزرگان دانا و مردان کسرد  
زیگ و فراوان بیامد کراز  
حوالما سی دندانهای دراز  
زدست دگر شیر، مگر زکاو  
کجا چنگ اینان نیدزور و نا  
بها سر ز دریا بیگسو نکتند  
بر آن نیستان آتش اندرزند  
بکشند حدان ز شیران گه راه  
یکبار یکی تنگ شد بر سپاه

تومردی بزرگی و نامت بلند  
در نام بر خویشن در میند  
که گویند بازن بر آویختی  
ز آویختن نیز بگریختی  
یکی تنگ باشد تور ازین سخن  
که تاهست گیتی، نگردد کهن  
جو خواهی که بانامداران روم  
بیایی بگردی به سر زهروم  
جو با راستی باشی و مردمی  
نه سستی جز از خوبی و خرمی  
اسکندر نیز بدیشان پاسخی موافق می دهد و دیده را ز شهر  
زنان به خوبی و خوشی بر گزار می شود اگر چه سیاه اسکندر  
در راه بر شریف و باد، و سپس گرمای شدید لطمه بسیار  
می بیند.

### ظلمات، چشمه حیوان

اسکندر پس از گذشتن از شهر زنان به مغرب می رود که در  
آن ناحیه مردمانی سرخ روی و زرد موی می زیستند. مردم  
آن شهر به طاعت و فرمان برداری پیش اسکندر آمدند.  
سکندر پس از سرکشان  
که آیدر (= اینجا) حداد رسگفتی نشان  
حسین گفت با او یکی مرد بزر  
که ای شاه نیک اختر و سپهر گیر  
یکی آنگیرت زان روی شیر  
کز آن آب کس را ندیدیم هر  
جو خوردند تا بان بدانجا رسید  
بر آن زرف دریا سودنا بدید  
بس همه در، تیره گردید جهان  
شود انکار ای گیتی نهان  
وز آن جای تاریک خندان سخن  
نخندم که هرگز نیاید نهان  
خریدافته مردیزدان سرست  
بدودریکی چشمه گوید که هست  
کناده سخن مرد برای و کلام  
همی آب حیوان خوانند بنام  
سپس خاصیت آب حیوان را شرح می دهد. اسکندر از او می  
پرسد که چگونه در آن جای تاریک توان رفت؟ پیرو خند  
بهاشاه می گوید: " از آن راه برگزیده با بد نشست." در  
این باب نیز بیدها افسانه ها پردا خسته اند که برای بیرون  
شدن از ظلمات با بدما دیا ن ها بی را برگزیده هنوز از  
کوه خود جدا نشده اند، و کوه را بیرون از ظلمات نگاه  
داشت. مادیا ن راه با زکشت را به بیوی کره خویش  
خواهد یافت.

### زنگیان، نرم پایان

اسکندر در راه خویش به دیا زنگیان رسید و گروهی نسوه  
از ایشان بگشت. چون شب شد گردن ها حمله آوردند.  
اسکندرا کز بر زره پوشیده و به جنگ آنان رفت:  
یکی بیسن رو بود مبرتر ز سیل  
بسر بر کز و (= ناخ) داشت هرنگ نیل  
ازین نامداران فراوان بگشت  
سی حمله بردند و ننمود پشت  
بکشند فرجام کارس بتر  
یکی آهنین کوه بد پیل گیر  
پس از آن گذار اسکندریه دیا رت میایان می افتند،  
اینان همانند که در داستان های بعدی بدوال پسا و  
دوال پایان معروف شده اند و در بسیاری از کتاب های  
افسانه، رت پای ایشان را توان یافت. در شاهنامه فقط  
گفته شده است که اسکندریساری از ایشان را بگشت. در  
قصه های متاخر دوال پا پهلوانان را فریب می دهد  
و سرگردن ایشان سوار می شود و آنان را مرکب می دهد  
می سازد و به چپ و راست می تازد تا پهلوانان به زحمتی  
از شرش رها می شوند.

### شهر زنان

همی رفت بانامداران روم  
بدان تارستان عدکه خوانی فرم  
که آن شهر یکسر زنان داشتند  
کسی را در آن شهر نگذاشتند  
سوی راست یستان جوان زنان  
بمان یکی نار بپرند بان  
سوی چپ به کردار پیونده مرد  
که چوین پیوسته به روز نبرد  
توصیف فردوسی از شهر زنان، مجمل و مبهم است. اسکندر  
نامه ای بدیشان می نویسد و آنان را به طاعت  
فرا می خواند و آن را با مردی داننده و خوش سخن  
بدیشان می رساند. زنان پس از خواندن نامه چندی  
پاسخ می دهند:  
بی اندازه در شهر ما بزرگست  
بهر روزی سر، هزاران زنت  
همه سب به خفتان جنگ اندریم  
ز بهر فرونی تنگ اندریم  
ز چندین یکی را نبودست نوی  
که دوسیزگانیم و پیوسته روی  
زهر سو که آبی برای سوم و بر  
بجز زرف دریا نیستی کفر  
سپس در باره طرز ازدواج کردن خود توضیح می دهد  
که چندان مفهوم نیست و احتمال می رود که در نسخه های  
چاپی موجود، تحریف شده باشد. زنان دریایان نامه  
بدومی نویسد:

### شهر پهلوانان

وز آن جا بگه لشکر اندر کشید  
دمان تا به شهر برهن رسید ...  
سکندر جو روی برهن بدید  
بر آن کوه آواز ایشان شنید  
دوان و برهنه تن و پای و سر  
تنان بی بروجان ز دانه سر  
زیرک گیا پوش، از تخم، خورد  
بر آسوده زرم و روز نبرد  
خور و خواب و آرام بردشت و کوه  
برهنه بهر جای کشته گرو  
همه خوردنیشان بر میوه دار  
ز تخم گیا ژسته بر کوهسار  
از ارش (= زیر نامه اش) یکی چرم نخچیر بود  
گیا پوشش و خوردن آژی رسید  
سکندر بر سریدش از خواب و خورد  
از آسایش روز تنگ و نبرد  
خردمند گفت ای جهان نگر من  
کس از ما نکوشد بندک و نبرد  
زیوشدنی و زگت مردنی  
همه بی نیایم از خوردنی  
برهنه جو باید ز ما در کشتی  
نیاید که تا ز دیوشش بسی  
وز آید برهنه شود از چای  
منه جای ترس است و تیمار واک  
زمین بستر و پوشش از آسمان  
بره دیده بان تا کی آید زمان (یا جل)  
این برهنان در شاهنامه به خردمندی معرفی شده اند.  
اسکندر نیز می گوید که جز گنگویا ایشان هیچ منظوری  
ندارد. وقتی هم قدم به سرزمین ایشان نهاد درخش  
برهنان وی را پذیرفتند. اسکندر از روی پرستی ها کرد و  
پاسخها شنید که به صورت متروح در شاهنامه آمده است.  
سپس بدیشان بسیار چیزها بخشید و چیزی از آن ها نگرفت  
و بی آزدن ایشان روی به خا ورنهاد.

### مردان پوشیده روی

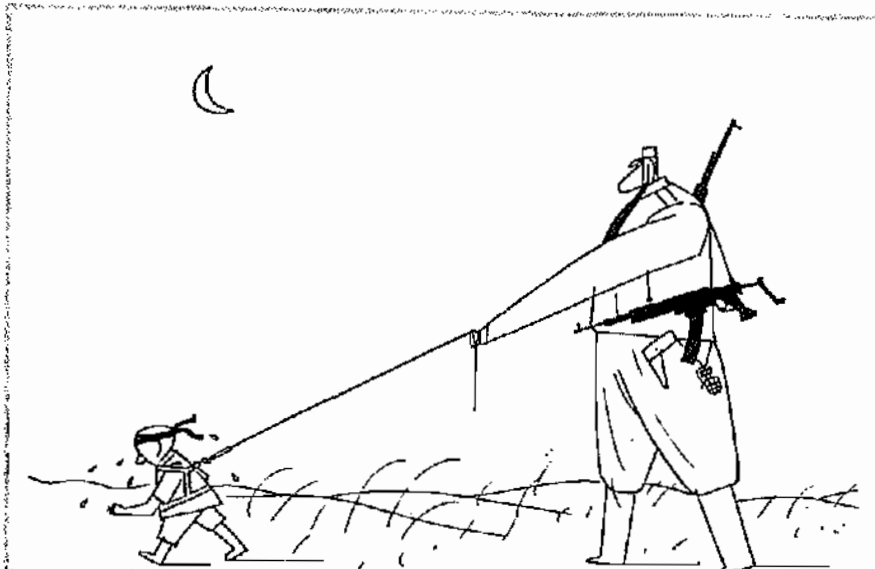
همی رفت منزل به منزل بر راه  
ز ره رنجه و مانده یکسر سپاه



نوشته: م. روزنتال  
از روزنامه «پنتر شتال» هرا لدرتربییون  
سه شنبه ۱۳ ژانویه ۱۹۸۷

# سالگردهای هرت

چندی پیش فکری به سرم آمد که هنوز که هنوز است ازین دست بردا رنیست: که امروز سالگرد کشتار هزاران یهودی، لهستانی، روسی، کولی، واکرا شینی بدست آلمانهاست. آلمانهاست. فردا هم سالگرد کشتار هزاران تن یهودی، لهستانی، روسی، کولی، واکرا شینی بدست آلمانها خواهد بود و بیرون نیز چنین سالگردی بوده است. در آن روزگار هولناکی که حتی تصورش نیز از عهد ما بیرون است آنقدر انسان کشته شد که برآستی هر روزی را می توان سالگرد مرگ دانست.



ا بزار معالیه سیاسی - چیزی جز انسان - زبانی انسان ها به شیوه های مذهبی نیست. این را نباید به حساب قشری گری ایرانی گذاشت. این حساب گری ایرانی است. من در اورشلیم بارها رهبران اسرائیل گفت و گو کردم. برآخته و عصبی بودند و در دفاع از خود دست و پا می زدند و عسدر و بهانه می آوردند. از وحشتناک از عراق که دشمن ایران است می گفتند و از شوقشان به اینک که مرگ را از خود خشنود و در عین حال به خود مدیون سازند. در آمریکا سخن از نفوذ کردن در "میان رو" ها می رود که ظاهراً "هیچ کس نمی تواند هویت آنرا را مشخص سازد، و این همه با دادن هوا پیمای های پرا زاسلحه به حکومتی تندرو که بناست "میان رو" ها پیش آن را "تامنرو" سازند. آیت الله اهل شوخی نیست، این را همه می دانند. اما با پیدا زاین ما چرا زخنه روده بر شده باشد.

و حال دل دولت ریگان و عذر تراشان تحقیقاتی اش به این خوش است که با دادن اسلحه به ایران دیگر رژیم تهران به آمریکا "خطان بزرگ" نمی گویند. بلکه مبلغان آیت الله خصیانی این لقب را به دیو دود شده تخفیف داده اند. اما واقعیت آنست که آمریکا دوباره شیطان بزرگ خواهد شد، مگر آنکه همچنان سرکشیه نظامی و سیاسی اش را شل کند. چرا، مذاکره با هر دولت - پذیرفتنی است. اما آیا قاچاق اسلحه ممنوع برای مبلغان مرگ هم پذیرفتنی است؟ با زیرسی ها و تحقیقات آدامه دارند تا نامشروعیت این معامله را با آوردن جزئیات درباره که گویا را بر سر بردند، بیوشا شد. دایره دربار که کسی که آدمیان را از انسانیت مانی اندازند نباید زنده بماند و کنگره ندادند. این کار از من و شما هم ختداست. بخاطر احترام، آری بخاطر احترام، سالگردهای امروز و فردا، دلیل آوری ها و بیانه تراشی های و سنگت و اورشلیم با ید متوقف شود. تا همین جا همه چیز روشن است. هم برای من و هم برای پذیرای بسی کسان دیگر.

راه از دشمن سلب می کنند و راه را در اعماق دوزخ می افکنند: شیطان. آمریکا ای شیطان. قدرت های شیطانی، نیروهای شیطان. نازی ها برای فرستادن آدمها به اتاقهای مرگ کلک می بکار می بردند که از جنبه نژادی انسان ها را غیر انسانی می کرد. اما ایران آیت الله ازین راهبرسی ساری استفاده می کند. آدمیان را اهل خیر و شر، به شیطان و رستگار را تقسیم می کند تا آنرا به راه آن خلسه شورا نکیز کفر و ایمان، به جنگ طلیبی، به کشتار و مرگ فرزندان خدا در راه عزت و جلال خدا بکشاند. همین اهریمن ساری، دست که حشم تروریست های از تخمه ایرانی را بر انسان بودن طعمه ها شان می بندد. دریا نورد ایرانی، یهودی ترک، مسیحی لیبانی همه و همه هدف مرگ اند. گروهکای دیگری - یا تبدیل انسانها به

کاهای مقدس رهنمون می شود. کلمات چنان طرح می شوند که بتوانند برای آنان که از حق زیستن محروم می گردند چنانی جدا گانه بیای فریختند. هدف از کلک می که آلمانی ها در دوران هیتلریکای می بردند. ما شند: کرها - انگلها - دون مردمان - آن بود که به مرگ آفرینان، به خیرچینان و بیسه جاسوسان ملت آلمان حق دهنده محکومان بویزه یهودیان را انسان نینداند. در جریان رودخانه نهرت از این هدف تا اتاق گاز قدمی پیش نمی ماند. آیت الله خصیانی و پیروانش تنها با یک کلمه: کلمه مرگ - آتش نهرت را روشن نگاه می دارند: مرگ پرا مرگ، مرگ بر صیهونیسیم، مرگ، مرگ و با زهم مرگ. نه فقط بر ملت ها که بر همه مخالفان مرگ بر منافقان امرگ برخاستان و البته این لعنتی است که انسانیت

واقع برای ما معنوی نحی می یابد. تاء تیرا این ما چرا بر من چندان عمیق بود که آدم سوزان را برایم تاعی کرد. آیت الله خصیانی هیتلریست. اما ما بین این دوش پیوندی مستقیم وجود دارد. همان پیوندی که همه مردان خطرناک را بهمی بیونند، بیوندی از جنس نهرت، نهرتی چندان عمیق که زهمه بستگی ها و وابستگی های انسانی نسران می گذرد. نهرتی که شالوده بینش خاصی از هستی قرار می گیرد که بنا بر آن تصور وجود بشریت مشترک به کشتاری نهاده می شود و کشتار زمین به دو گروه رستگار و ملعونان تقسیم می شود. یعنی گروهی که ما پسته زنده بودنا و گروهی که در خور مرگ اند. این همان بینشی است که با کلمات و شعارهای ویژه آغامی شود روه سوسی هدفی ایدئولوژیک و مشخص در آواز آن پس یکسره به سوی اثاقهای رزبا گور -

## شاهنامه فردوسی

### و شرح شگفتی های گیتی

جو آمدن تاریکی اندر سپاه  
خروشی بر آمد ز کوه ساه  
که هر کس که برداردا ز کوه سنگ  
پشیمان شود زان که دارد به جنگ  
و گبر برداردا پشیمان شود  
بهر درددل سوی درمان شود  
سپه سوی آوازینهاد گوش  
پرانده شهنشهر کسی زان خروش  
که برداردا آن سنگ اگر (یا) بگذرد  
بی رنج تا آمده نشمرد  
یکی گفت کس این رنج هست از کتاه  
پشیمانی و سنگ بردن به راه  
دگر گفت لغتی بیاید کشید  
مگر در دورنجش نباید چشید  
یکی سرد زان سنگ و دیگر نبرد  
یکی دیگر ارکا هلی داشت خرد  
چو از آب حیوان بهامون شدند  
ز تاریکی راه بیرون شدند  
بجستند هر کس بر آستی (= آستین)  
پدیدار شد که... ژوی و کاستی  
کناریکی پر زیاتوت بود  
یکی را بر از کوه رنایا بود  
پشیمان شد آنکس که گم داشت او  
ز سرچ چنان خوار بگذاشت او  
پشیمان تر آنکس که خود بر نداشت  
از آن گوهر پیرها سرکاست (= بگردانید)

### سید یا جوج و ما جوج

اسکندر پس از دیدن مغرب به سوی شمال می آید. چون مردم از او استقبال می کنند می پرسد این جا چه شگفتی وجود دارد؟ زبان سرگامند بر سر بریار به نالیدن از گردش روزگار

اسکندر خواستار سخن گفتن درختان شد. وی را بدان جا راه نمایی کردند. چون ظهیر فرا رسید خروشی سهمگین از درخت برخاست. اسکندر از ترجمان معنی آن را باز پرسید. پاسخ ترجمان نومیدگفته بود: چنین دادبا سخ که ای نیکیخت همی گوید این برک تاخ درخت که چندین سکن درجه پیوید بهر که برداشتا از نیکیوی هاش بهر زما هیش چون سال شدر دوهفت زتخت بزرگی بیایدش رفت اسکندربا اندوه تمام تا نیم شب صبر کرد تا سخن درخت دیگر را نیز بشنود. گفته های درخت دومین نیز چیزی جز سرزنش از زندگی وی برای گشتن بزرگ در جهان و تسخیر آن نبود. سرانجام از ترجمان خواست که از درخت بپرسد آیا خواهد توانست به روم (= یونان) بازگردد تا ما در شوی را زنده ببیند؟ چنین گفت با شاه، گوید درخت که کوتاه کن روز و بر بندر درخت نه ما دژت بیند نه خیشان به روم نه پوشیده رویان (= زنان) آن سرزوبوم به شهرکسان مرگت آید، نه دیر شودا خترو تاج و تخت از توسیر

که ما را یکی کای ریش است سخت بگویم با شاه بیروزیخت چیزی که ما را بدو تاب نیست زیا جوج و ما جوجمان خواب نیست همه رویها شان جو روی هیون (= اسب) زبانهها سیه دیده ها پیر زخون سپه روی و دندانها چون گراز که با رده شدن نزد ایشان فرار همه تن پرا رموی و تن ها چونیل بر روی سینه و گوشها شان چو بیبل. بل بخسند و یک گوش بستر کنند دگر بر تن خویش چا در کنند زهر ماده ای بجه زاید هزار کم و بیس اینان که داند شمار به گره آمدن چون ستوران شوند تک آرد و برسان گران شوند بسته شدن سدا جوج و ما جوج داستانی است که تا زکی ندارد. نکته جالب وصف این قوم به روایت شاهنامه است که مختصری از آن را یاد کردیم.

### درختان سخنگو

اسکندر راه را ادامه می دهد و به شهری آباد و مردمی مهربان بر می خورد و طبق معمول خویش از جایب آن شهر جوینا می شود. چنین داد پاسخ بسود رهنمای گهای شاه و بیروزیکیه رای تکفیس است ای در که اندر جهان کسی آن ندید آتکا رونهان درختی است ای در (= این جا) دوشین گشته جفت که جوان بگفتی نسا یدنهفت یکی ماده و دیگری نتر آوی سخن گوید شاخ بارنگ و بوی به شب ماده گوینا و بویشود جو روشن شود نتر گوینا شود بپرسید زبسان که اکنون درخت سخن کی سراید با و از سخن چنین دادبا سخ بدو ترجمان که از روز چون بگذرد نه زمان (= ساعت) سخ گوی گردد یکی زین درخت که آواز او بشنود نیکیخت. شب تیره گون ماده گوینا شود بروبرگ چون مسک بویشود

اسکندربا تا مرادی از آن نقطه که با آن جهان بوده است باز می گردد و نخست به چین، سپس به حلوان، سند، یمن و سرانجام به بابل می رسد. پیمای وی مرگ وی نیز در بابل فرامی رسد. و اسپین شگفتی که اسکندر در راه بابل بدان بر می خورد بر لب دریایی ژرف است: پدید آمدن زور مردی ترگ پرا رموی با گوشهای بزرگ تنش زیر رموی اندرون همچونیل دو گوش به کردا رد گوش بیبل خود بندد گردنکسان زان نشان بپردن بیس گند رکشان سکن درنگه کرد و غیره ماند بربور همی نام بردان بخواند چه مردی بود گفت نام توجیت ز دریا چه بایی و کام توجیت بدو گفت باها مراباب و مام همان "گوش بستر" نهادند نام "گوش بستر" نیز بعدها بسیار رموردا ستفا دهه داستان برای ن قرار گرفت. آن نام تا این گروه را عوض کرده و ایشان را "کلیم گوش" نامیده اند بدین اعتبار که در هنگام خفتن از گوش به جای بستن و براندا زوا ز گوش دیگری عنوان پوشش روی انداز استفاده می کرده و درون گوش های خود می خفته اند.

# نامه‌ها و نظرها



حاج نام با فسی را به ما و سوسه های خوابناک  
کرامی فقط برای سنگین کردن نظرات و عقاید و  
برداشته های حقیقی بوسندگان نامه ها است و لزوماً  
بمعنای موافقت و همرازی ارکان مرکزی نیست. بنا بر  
این امران با معاد همه آس سوخته ها نیست.  
از بوسندگان نامه ها تقاضا می کنم نام و نشان  
خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ  
شود نامه و نشانی نامشان محفوظ بماند.  
افزون بر این، از با بنامه های که در آن ها نسبت  
به انتهای و گروهها هتک حرمت نموده و با عنایت و  
بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، مغذوریم.  
انتخاب عنوان نامه ها از ما است.

# اقلیت همدا

می دهکده برای حقوق اقلیت های مذهبی  
اهمیت قائل باشد؟  
مسئولان آلمان در جواب درخواست  
پناهندگی مذهبی مسیحیان جواب ردیه  
آنها داده و می گویند شما هنوز در مجلس  
نمایینده دارید و اینجا است که در ایام از  
تجرب شما خبر می آوریم، آخر چرا؟ چرا  
مسئولین آلمان نمی خواهند بفهمند  
با خودشان را به قول معروف بدکوجه علی  
چپ می زنند، مگر شما بنده های مسلمان  
مجلس آیا آزادی بیان دارند که  
بدبخت نما بنده عروسی اقلیت ها  
آزادی ابراز خواسته های راد داشته  
باشد؟ آیا می شود شما درخواست کنید  
کدفریاد را از طریق نثریه خود  
بدکوشی و تلاش می که با اقلیت ها  
پناهندگی سیاسی نمی دهند بر ما شید،  
این فقط دردمن و پدر ما دریا بگردیم  
نیست بلکه در درخا نواده های بدبختی  
است که هنوز هم در ایران زندگی می کنند  
و فقط بخاطر اینکه مذهبان با مذهب  
خیمینی یکی نیست در خطرند. حتی  
آوردنی به یکی از خویشاوندان ما گفتند  
بوده که صد سربازان مسیحیان با لاشه  
سک مساری است، آیا فقط ما را برای این  
می خواهند که در خود را در جبهه ها در  
راه خیمینی و افکار شیطان او فنا کنیم  
بعد هم آجا عزیزان ما را لاشه حیوان  
یکی بی مانند، وای، وای، و من هم مثل  
هر جوان روغن فکرا ایرانی و مخالف  
رژیم غاصب خیمینی بخاطر ایران زحمت  
خود را در ایران کربختم البته با قیمت از  
دست دادن تمام زندگی و دست زنج و  
زحمت سی سال درم که در ارتش خدمت  
کردم و چون نمی توانست جو حکومت  
اسلامی را تحمل کند خا نه نشین ندوبند  
هم بخاطر اینکه پس از در کردن من از مرز  
ترکیه، از ترس اینکه برادرم را که ارت  
معافیت خود را در زمان شاه گرفته بود  
به کز و بگیرند، به آلمان آمدند، آیا  
این است نتیجه سالها زحمت و رنج و  
تحمل و بدبختی های فراوان که بخاطر  
حق انتقال مجویی یک پیر مرد با بد  
دست خالی در یک کشور غریبه متقاضی  
پناهندگی شویم نهم با این شرایط  
سخت و بی حد دولت آلمان نکوبد که ما  
پناهندگی مذهبی نمی دهیم، آخر چرا؟  
با نام ما این مطالبی که خدمتتان عرض  
کردم متذکر می شوم، من یک ایرانی هستم  
و با شما هم جدا شده ام، می گویم، به امید  
آزادی ایران از دست غاصبان و زندگی  
آرامش بخشی در کنار یکدیگر.

با تقدیم احترامات  
ژان اسحق وندی عیوضی نس  
**نامه یک مادر ایرانی**  
**به خیمینی**

یک مادر ایرانی که خود را ستوده دانشی  
رادیوایران، رادیو بیست و هفت ملی  
ایران، معرفی کرده، نامه ای خطاب  
حسبی به سانی این رادیو فرستاده  
درخواست کرده است که صدای او در بیرون  
مرزهای آنجا زود.  
سامانی مادر ایرانی را با احوال جایی از  
بازخواستگان کرامی می گذارم.

وقتی که وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد  
که اکثر کشتگان ایرانی را در حملات

چنان آقای دکتر تا بورجیتیا رهبر  
نهضت مقاومت ملی ایران

بیا متبریک جناب عالی به مسیحیان ایران  
را به مناسبت آغاز سال ۱۹۸۷ میلادی در  
نثریه قیام ایران خواندم، و با زبانه  
همبستگی خود با ملت دردمندا ایران افتادم.  
به یاد دردها و پیمان افتادم، هر چند که در  
ما یکی نیست که ما دهستان بدان اشاره  
مختصری نمود، بلکه در دهها دردهای  
سالهای نکبت پاری است که به ایران  
عزیز ما می افتاده است، حال که این  
نامه را برای شما می نویسم زحمت و  
درد در غربت رنج بی بروم و خواستم درد  
خود را با شما در میان بگذارم و خوا  
می کنم مطالب مرا در نثریه تان درج  
نمایید تا همه بدانند با اقلیت های  
مذهبی بدبخت چه می گذرد، وقتی که شاه  
ایران را ترک کرد من ۱۵ سال داشتم و  
شاه زهم پناهنده شیراز به مملکت خود  
بودم، دست آوردهای آخوندهای جنایتکار  
چنگ را زانما نوز بود که ما را مجبور به  
فرار از آبادان کرد، محنه های وحشتناک  
چنگ مدام ذهن روح جوان مرا آزرده  
می کرد، زاینکه دیدم چه آسان حاصل  
زحمت و رنج سالها اجدا و سرمایه  
مملکت عزیز بر ما در رفت، ما نهم نسبت  
به رژیم بیشتر و بیشتر می شد، آخوندها که  
همه چیز را از ما گرفتند تا لایوایت مذهب  
هم رسیده بود و این مملکتی بود که  
زندگی و سرنوشت مرا دستخوش خود کرد.  
در کرج که به دبیرستان می رفتم، جوانان  
حزب الهی دبیرستان به سراغم آمدند  
و به خاطر اینکه سمکوکم را می بردند  
پرسیدند آیا تو آمریکا می هستی، بعد از  
توضیحی ز من خواستند در جلساتی دینی آنها  
شرکت کرده و در باره اسلام با من صحبت  
کردند، در جواب به آنها گفتم من مسیحی  
هستم و می خواهم مسیحی باقی بمانم که ما  
شاید آنها و روبرویم که بعد مدتی معلم  
تعلیمات دینی که او بسته به انجمن  
اسلامی دبیرستان بود ندیده ما بیت آنها  
بر خاسته و مجبور به فرار از مدرسه و ترک  
تحصیل شدم، نه تحصیل، نه کار، نه  
فعالیت فقط چهار دیواری خانه، در اول  
نوجوانی خا به آنجا شده بودم بخاطر  
اینکه می داد در جنگ خونخواران تا الهی  
بیا فتم سنی می کردم کمتر از منزل خارج  
شوم، اما یک جاسوس محلی از طرف  
حزب الهی خا به عنوان دوست به  
منزل ما راه پیدا کرد تا از افکار و  
عقاید و فعالیت های من خا نسوا دهام  
با خبر شود، با توجه به اینکه پدر من  
ارتشی بود و منی خواست پس از سالها  
خدمت و خیرداری باستان جلوی برجم  
شیر و خورشید خا لاجلوی برجم آخوندها  
خیرداری بایستند، سیاست خیمینی برای  
اقلیت ها سیاست وحشتناکی است.  
شهریور سال ۱۳۵۹ بود که تا بلوی مدرسه  
سوسن شوریه های آبادان را با شین  
آوردند دید عکس های مسیحی را از دیوار  
کلاسها با ره کرده و عکس خیمینی را به جایی

آن گذاشتند، سال بعد آزادی خواستند  
تعلیمات دینی به زبان مادری را از ما  
گرفتند و به کلیسا حمله کرده و بی حرمتی به  
معن مقدس دینی ما نمودند، برای همه  
ملت ها رفتار دردمندا نه رژیم خیمینی چون  
روز آشکار است که با مردم مسلمان ایران  
چهار رفتاری می کنند چه رسد به اقلیت های  
مذهبی او و معجب من بیسترا زاین است.  
با توجه به اینکه همه ملت ها حتی دولت  
جمهوری فدرال آلمان از وضعیت زندگی  
تا محلات اقلیت های مذهبی در ایران  
کا ملاحظا که است با زبرد روی اعصاب  
نا پسند آخوندها می گذد، آیا دولت  
اسلامی به قانون حقوق سردر ایران اهمیت

اخیر، نوجوانان زیر چها رده سال تشکیل  
می دهند، زنی رخصی توهنج تفسیر  
نگردم، ولی نتوانستم زخمی که نسبت  
به تو احساس کردم، جلوگیری کنم، بیس  
اینهمه با خود می گفتم شاید ما هوا رها  
عکس ها را به وقت ما بر نه کرده باشند،  
شاید چشم های هوا پیمان های او کس خوب  
کار نگردد با شد، از خود می پرسیدم مگر  
می شود اینهمه جوان بی گناهی را که  
هنوز به سن عقل نرسیده اند، این جور  
خونسرد جلوگیری و فرستاد دوحرا رت زندگی  
را در بدنه های آنها به سرمایه مرک مبدل  
کرد؟ تا اینکه روزنامه ها را دیدم.  
دانستم که وزارت دفاع آمریکا درست  
گفته است، عکسهای آن جوانان و  
نوجوانانی را دیدم که پشت لب برخی از  
آنها هنوز سبز شده بود، غنچه های شکی را  
دیدم که تا شگفته سربندند، چرا غم  
کوتاه آنها به با دندنی که تو سرا نکبختی  
خاموش شد.

بی اختیار به با دروژی افتادم که پس از  
چندین سال به تهران بازگشته بودی، به  
پا دآن لحظه ای افتادم که در بیست زهرا  
تقاب غم بر صورت خود زدی و گفستی که:  
"من از این مادران نهیداده خجل است  
می کنم، چه بسا ریودند ما در آن ساده  
دلی که حرفهای آن رورتورا با ور کردند،  
با ور کردند که تو خجلت می کنی از اینکه  
مادری فرزند خود را در راه هدف تو قربانی  
کند، ولی امروز بر همه ما در آن دنیا  
معلوم شده است که تنها چیزی که در وجود  
تو نیست همین احساس خجلت است،  
اگر در وجود تو ذره ای احساس خجلت وجود  
داشت، امروز وقت بروز این احساس  
است، ولی در حالی که با صغیر گلها های  
کرم، شاخه های ترد باغ زندگی در ایران  
می شکنند و خنک می شود با رتاه هیچ  
احساسی در نگاه سرد تو پیدا نیست،  
آن روز که جایی خجلت کشیدن از ما در آن  
نبود، و انصود کردی که خجلت می کنی،  
اما امروز که بر آستی جایی خجلت کشیدن  
از ما در آن داغیده است، هیچ نشانی  
از خجلت در تو دیده نمی شود.

در آن تواده های ایرانی، سرفه شام  
و ناها را دست کجای یک فرزند خسالی  
است، بر نیت مکتب مدرسه ها جایی نوجوانانی  
که در جبهه های جنگ برخاک هسلاک  
افتادند انداختی است، ما در آن، شبها  
به هنگام بپهن کردن تخت خوابها بسرای  
آن فرزندی که هنوز در کسب سار  
خود را رتد، به یاد آن فرزندانی می نشاند  
که تا بدنتی یک کور سرد شده جمعی هم  
آنها را در دل برد خود جایی نداده باشد،  
چه بسا آجا در جبهه های بی گناهی ایرانی  
که بر آبهای خط العرب همچنان سنا ور  
است یا در بیابان طعمه گر کسها شده  
است.

راستی خجلت نمی کنی از ما در آن این  
بچه ها می که از دهان برخی از آنها هنوز  
بوی شیر می آید؟ برخی از اینها در  
سینگی بودند که با یست در مدرسه یا کوجه  
با هم سن و سالان دیگر خود با زیه ای بچگانه  
می کردند، حتی برخی هنوز به سن  
نرسیده بودند که بشودا سباب بیازی را از  
آنها گرفت، از ما در آن غنچه بگذرد،  
از آدجایی دور و بر خود خجلت نمی  
کنی؟ آیا در آن بیابان، نگاه سوزنی  
آمیزی وجودندارد که لحظه ای بر تو درنگ  
کنند؟

من خود به چشم دیده ام پدران و مادران  
سوگوار را که برای گریستن در غم  
عزیزان از دست رفته خود، خلوت و تنهایی  
شب را انتظار می کشیدند، زیرا بسازی  
سرم آور "تبریک و تسلیت" مبلغان تسو  
حرمت گریستن آشکار در غم عزیزان را نیز  
از بین برده است.  
پیدا است که نه تنها از پدران و مادران  
فرزند ز دست داده هیچ خجلت نمی کنی،  
بلکه کاری کرده ای که آنان از سوگوار را  
به خاطر از دست رفتن جگر گوشه ها ایشان  
خجلت بکنند.

# چرا؟

بد نیست و دوم بهمن ما چیزی ندانند  
است، با رید کربخاطر می آوریم که مردم  
ایران طی ماههای زمستان ۱۳۵۷ سرخاسته  
بودند تا حکومت غاصبان را بر زمین  
قانون اساسی کور را بحدت ۲۵ سال  
نادیده گرفته بود، تحصیل کردند، مردم  
ایران با استفاده از موقعیت مناسب

سیا سی به نمايش عزوم را ده خود علیسه  
استیدا دو خود کا می دست زدند و دیدیم  
که چون از زمان های ملی و احزاب پیش  
از این به مدت یک ربع قرن تعطیل و  
منکوب شده بودند، روحانیت ایران با  
استفاده از زمان و تشکیلات سنتی دینی  
بیست هتک مبارزات آزادی طلبانه شد.  
تکرار بقیه ما چرا در حوصله این نامه  
کوتاه نمی کشد، افزون بر این "ماجرای"  
چنان زننده و حاضر است که در  
خاطر نزدیک هر ایرانی خلیده و اسباب  
رنج اوست.

آنچه برای من مهم و بصورت پرسشی که  
جواب کافی و شافی بر آن ندا ردم در هتم  
خا نه کرده این است که حکومت استبداد  
دینی غیر غم نفرت و شجرا را کنترلی  
مردم ایران، غیر غم دشوار ریجایی  
سنان افکنی که از روز نخست با آنها  
روبرو بوده و همچنان از هر سو با انشوع  
تا ز این دشوار بیها دست به گریبان  
است، با کدام ما به زانو می بی و قدرت  
و تدبیر عمرس را در زکرده و به هت  
سالمی رسانده است؟

کما می کنم یک تحقیق و بررسی همه  
جانبه برای یافتن با خی مناسبت  
به زحمتش بیا رزد، قیام ایران، توانایی  
این کار و تحقیق را در ادوا کره کسک  
نویسندگان نش با این تفحص و بررسی  
را بگشاید خدمتی ارزنده انجام می دهد.  
مسلم است که چون سخن از سحت و وقت نظر  
و غور و تفحص است جایی برای احساسات و  
شور که کس و ولجان روحانی نمی ماند،  
و گرنه مقالات بسیار روانان گیرا نه ای -  
چه در مطبوعات فارسی زبان چاپ خا رچ  
از وطن و چه در مطبوعات خارجی - در این  
مقوله طبع و نشر شده است که ما ندگاری  
جمهوری اسلامی را به چنده مل و ابستد  
کرده اند، اختناق و جنگ و فریب نوده  
مردم از جمله این عوامل است که در  
مقالات مذکور همچنان در لایل عمده داده  
حکومت خیمینی ذکر شده است، اما حقیقت  
آنست که این نوع راهجویی یا پیش  
می کنند.

با تقدیم احترامات - کاوس میرحزبه

# سینه های بی سر را نمی دوستند

روزنامه معاصر رسیده اطلاعات، کوهی از  
اوضاع افسانگروستا های ایران را بگوشه  
بوست کرده است.  
امراض سرری و نکلی سلامت محمول و  
مزارع را نهی می کند، برخی زکبا و زبان  
ودا مداران به دلیل نداشتن مواد لازم  
و نبود محیط بهداشتی سالم به اسراس  
انکلی ساح دردها و دوا رند و با آجایی  
خود مرصی منترک دارند، در این روستاها،  
حمام کدیکی از ضروری ترین وسایله  
زندگی وجودندارد و هستند و سانشانی  
که با آنها سناو سنا نندتن خود را به آب  
تیمیز بسویند، در آن ودا رووبه و سره  
سرسک منحص و ما می قابل نهیز در حدی  
نیست که بسوا ندنا ضروری ده سبسان  
راته عین کندوا ز تلف شدن بسما ران و  
سوزادان جلوی گیری کند، بعضی از  
کسا ورزان ودا مداران کنسورانساریهای  
نبا تنی ودا می و جانی انسانی کمترین  
اطلاعی ندا رندوا ز لطیف حاد و سمسادی  
سما تا بوا کسب کردن مسوس و  
کودکان سان در برابر اراضی مختلف  
بیکانه و بی خیرند و به دلیل عدم دسترسی  
به دوا سرک و سها رومای زمانهای دفع  
آفات، بسبب آن که بیوا نندنا رسی  
سندیدند، محمولسان نا بود کسند و  
دامان تلف می شود، زبان بسوادای و  
نا آگاهی برخی از روستا سان و عدم  
توجه مسئولان موجب شده است که اغلب  
نقا ضروری و با غیای صودید صورت  
نمدخان و بدخالت مشرک در آید، اداره  
ترویج و اصلاح نباتات و سازمان توسعه  
آفات، قادر به انجام وظایف خود نیستند.  
ما بد مسئولان همدارمی دهیم که در حال  
حاضر کوربا کمبود کراتی مواد دعا بی  
روبرو و در سباب سو، تعدد کس  
مردم کسور و سره کودکان و سوزادان  
و سالیسدان را بدسبال دارد، با توجه  
به روید افزاین حمت، با آهنگ موجود  
هم کنونی سوان وضع نا مطلوب سالیانی  
آنده را در نظر محمول کرد.

سلسل از رورما مدا اطلاعات - ۲۴ دی ماه ۶۵



فواد روحانی

۶۰

# مصدق ونهضت ملی ایران در کساکش چپ و راست قرار داد گنرسایوم

بنادری خارج از آبهای ایران فرستاد تا در دسترس رس  
شرکت ملی نفت نباشد و همچنین از ورود روغن موتور  
که معمولاً از انگلستان فراهم می شد جلوگیری کرد.  
این کار ممکن بود عواقب وخیمی در بر داشته باشد زیرا  
در تاریخ خروج انگلیسی ها از ایران موجودی روغن  
در انبارهای پخش تکافوی بیش از دو ماه مصرف کشور  
را نمی کرد و اگر شرکت ملی دست اندر کار اقدام قسوری  
نمی شد چرخ های صنعت و وسایل حمل و نقل یکبار ره ز  
کار می افتاد. خوشبختانه شرکت ملی نفت این هردو  
اشکال را بزرودی رفع کرد.

همچنین در مورد وسایل حمل و نقل دریا نیز شرکت توانست  
با خرید یک کشتی از هلند محموله های نفت را به بندر  
جنوب برساند.

از جمله اقدامات دیگری که شرکت ملی نفت بمنظور  
رفع نواقص سا زمان پخش داخلی بعمل آورد توسعه  
انبارهای نفت در شهرستان ها و مخصوصاً اجرای طرح  
ساختن خط لوله آهوا به تهران بود که از دیرباز  
در ادارات شرکت سابق بحال تعلیق مانده بود. همه  
این اقدامات و بخصوص توفیق شرکت در برپا زدن خط  
دستگاه های تقطیر نفت و تهیه روغن و غیره عتقاد  
نفتی و انکسار به خود را در کارکنان ایرانی به میزان  
قابل توجهی تقویت کرد و این حالت روحی آنها کمک  
شایانی به پیشرفت شرکت ملی نفت نمود.

در پایان این بخش اذعان می کنم علت اینکه هنگام  
تأسیس سازمان اوپک در سال ۱۳۳۹ کشورهای نفتخیز  
عمده جهان سوم که برای تشکیل آن سازمان گرد آمده  
بودند مقام اول را برای ایران قائل شدند همین  
وجود شرکت ملی نفت ایران با ده سال سابقه و پیشقدمی  
ایران در تسخیر قرار داد امتیازیه وسیله طرد شرکت  
بزرگ نفت انگلیس بود.

چند روز بعد از کودتا یعنی در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۳۲  
وزیر امور خارجه انگلیس طی یک مباحثه مطبوعاتی که  
موضوع آن تسخیر اقمه میزبوره عنوان قیام ملت  
ایران در پشتیبانی از شاه و نه اجرای کودتای نظامی  
علیه حکومت مصدق بود اشاره به اختلاف نفت کرد و  
گفت آخرین پیشنهادی که به دولت مصدق تسلیم شد  
متضمن بهترین شرایط بود که ممکن بود عنوان شود و  
اذا فکرت دلیلی نیست که ما آنچه را که به دکترا مصدق  
پیشنهاد کردیم حالا به نخست وزیر جدید عرضه نکنیم. بنا  
بر این مقدمه دولت انگلیس در ابتدا این بود که از آنچه  
قبلاً به آن رفتار داده بود عدول نکند. بدیهی است که  
حق هم همین بود و دولت جدید ایران هم همین انتظار را  
داشت. اما معلوم نیست به چه علت در فاصله شش ماه بعد  
از کودتا دولت و شرکت نفت انگلیس و دولت آمریکا که  
مذاکرات کنسرسیوم را با به گذاری می کردند تصمیم به  
یک عقب نشینی همه جانبه گرفتند و بطوری که گفته خواهد  
شد بنا بر این ترتیبی گذاشتند که در این امر با  
قرار دادهای امتیازیه فرقی نداشت. حدس نگارنده در  
بارها علت این تغییر چیه را اینست که حسن توفیق شرکت  
نفت انگلیس به ریاست ویلیام فریزر با لایحه بر نظر  
سیاستمداران و وزارت امور خارجه انگلیس به رهبری  
پایدن گلبه کرد. قرآنی که این حدس را تأیید می کند  
در بخش " طرح و اجرای کودتای ۲۸ مرداد " (زیر عنوان  
شروع مرحله نهائی نقشه کودتا) ذکر شده است.

با سقوط مصدق و بازگشت شاه و تشکیل دولت زاهدی  
دوره بحرانی شدن نفت پایان یافت. اما حال مسئله  
نفت محتاج انجام بعضی ترتیبات مقدماتی بود که کمی  
بیش از یک سال بطول انجام میداد. اولین اقدام در راه  
ایجاد محیط تجدید مذاکره برقراری روابط با انگلستان  
بود که بنا بر اظهارات مال طرفین در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۳۲  
عملی گردید و دولتین پس از تقریباً ۱۴ ماه قطع رابطه  
به وضع عادی یعنی تبادل نمایندگان در دیپلماتیک  
برگشتند. در تاریخ ۳۰ آذر دنیس ریاست  
Denis Wright با سمت کاردار سفارت و در  
تاریخ ۲۹ بهمن سر اجرا استیونس Stevens  
به عنوان سفیر کبیر انگلیس به تهران وارد شدند. اما  
دولت زاهدی بدون قوت و وقت کمیسیون تحت عنوان  
مشاوران مخصوص نخست وزیر مرکب از زوئی سالی سابق  
اسبق اداره نفت وزارت دارایی تشکیل داد و از آن  
کمیسیون همچنین از شرکت ملی نفت خواست که نظریات  
خود را در باره نحوه تجدید مذاکرات اظهار کنند. کارشناسان  
میزورنتیجه مطالعات خود را در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۳۲  
به نخست وزیر گزارش دادند. بطور خلاصه مضمون آن عبارت

از انکسار به قانون ملی شدن در حدود شرایط آخرین  
پیشنهاد مشترک انگلستان و آمریکا بود اما رفته رفته  
علاقمندی ظاهر شد کدشان می داد با تغییر وضعی که روی  
داده بود دولتین تا سرحد و شرکت های تابعه آنها از  
پیشنهاد های گذشته که مورد قبول واقع شده بود عقب  
نشینی خواهند کرد. یک نکته که این پیش بینی را  
تأیید می کرد این بود که کمترین یک ماه بعد از  
سقوط دولت دکتر مصدق جایز انگلستان شرحی در باره  
تجدید چریا نفت ایران به پایا ز راهای دنیا نوشتند و  
طرحی به این مضمون عنوان کردند که پیشنهاد مشترک  
انگلستان و آمریکا نباید تجدید شود بلکه تولید و  
صدور نفت ایران با بدیهه مجموعی از شرکت های  
بین المللی ( و نه انحصار شرکت نفت انگلیس) و گذار  
شود و عایدی ایران از فروش نفت خود دنیا به از سهم ۵۰  
درصد شامل حال کشورهای دیگر نخواهد شد. به این ترتیب  
ترتیب واضح بود که شرکت ها چون دیگر مقامی در برابر  
خود احساس نمی کردند مصمم بودند که ضمن تصدیق صوری  
ملی شدن نفت در ایران این کشور را وادار به قبول  
همان شرایطی نماید که در کشورهای نفتخیز دیگر  
معمول شده بود. سرانجام نیز چنین شد. دولت آمریکا  
برای فراهم نمودن مقدمات عقد یک چنین قرارداد مشاور  
نفتی وزارت امور خارجه خود یعنی هربرت هورور  
Herbert Hoover را به تهران فرستاد  
تا سرحد طی دو هفته از ۲۵ مهر ۱۳۳۲ با مشاوران دولت  
مذاکره کرده و آنچه گفت تا شید همان مضمونی بود که در  
حرایب انگلستان عنوان شده بود. علاوه بر آن کید لزوم  
برداشتن غرامت از طرف ایران به شرکت نفت انگلیس و  
وارد شدن شرکت های آمریکا ( برخلاف میل خود ملی  
به تبعیت از ملاحظات سیاسی دولت آمریکا) در گروه  
شرکت های ما درکننده نفت ایران یا کاتالین المللی.  
بعد از مراجعت هورور به آمریکا وزیر امور خارجه در تاریخ  
۳ آذر ۱۳۳۲ درواشنگتن اظهار نمود که پیشنهادی از طرف  
دولتین انگلستان و آمریکا تهیه شده است که به دولت  
ایران تسلیم خواهد شد. بطوری که به معلوم گردید این  
پیشنهاد اصولاً همان طرحی بود که چرا پیشنهاد انگلستان  
پیشگویی کرده بودند و هورور به دولت ایران تلقین  
نموده بود.

دولت آمریکا در بهمن و اسفند ۱۳۳۲ دو کارشناس نفتی  
یعنی تور کید ریر Torold Rieber و دونیورت  
Davenport را بعنوان مشاوران و ریپرفر  
برای راهنمایی و کمک به مقامات نفتی ایران به تهران  
فرستاد. این دونفر طی مدتی با تحویل هزینه های  
بودجه شرکت ملی نفت با مشاوران دولت مذاکره کردند  
ولی هیچگونه نظر مساعده نسبت به خواسته های ایران  
نشان ندادند بلکه همان نظریه شرکت های بزرگ را به  
سر سختی تمام و حتی خشونت اظهار نمودند و سعی کردند  
دولت را متقاعد کنند که نمی تواند از حدود معمول در  
سایر کشورها قدم فراتر برد. در بهمن ماه ۱۳۳۲ گروه  
شرکت های که برای دویا ره بر چریا ن انداختن نفت  
ایران در لندن کرده اند به پیشنهاد هیئت فنی بیست  
نفری ( مرکب از هفت نماینده از طرف شرکت نفت  
انگلیس، نه نفر از طرف شرکت های آمریکا، دو نفر از  
طرف شرکت شل و دو نفر از شرکت نفت فرانسه) شعبی  
نمودند که برای معاینه تأسیسات و مشاوران آمریکا  
گزارش در باره وضع آنها به خوزستان برود و نمایندگان  
میزور روز ۲۲ بهمن وارد آبادان شدند و بین آن تاریخ  
۲۹ بهمن که ایران را ترک کردند همه تأسیسات  
مناطق را با زدید نمودند. قبل از حرکت از ایران در  
جلسه ای با سهام السلطان بیات مدیر عامل شرکت ملی  
نفت با حضور شرکتارنده ملاقات کردند و ضمن  
قرائت از طرف عمل کارکنان ایرانی شرکت گفتند  
کلیه دستگاها را بی عیب و نقص با فضا ندویم و هیچ  
کردند که تجدید عملیات بدون تغییر قابل توجه در  
تأسیسات و بکارگزاران فقط تعداد کمی کارشناسان  
فنی خارجی ممکن خواهد بود.

دروابل اسفند دولت انگلیس در اشدت که میسیون بزرگی  
برای شروع مذاکرات به تهران خواهد آمد. بنا بر این  
در تاریخ ۲۲ اسفند یک کمیسیون فنی تشکیل داد که  
مطالعات لازم را برای مذاکرات آینده ضمن مشورت  
با ریپرفر و نیورت بعمل آورد. اعضای این  
کمیسیون عبارت بودند از: اعطاء الله اتحادیه، دکتر  
رفا فلاح، فتح الله فیسی و نگارنده. جلسه اول این  
کمیسیون تحت ریاست دکتر امینی با حضور سهام السلطان  
بیات مدیر عامل شرکت ملی نفت و مشاوران آمریکا  
تشکیل شد. این جلسات بعداً نیز هر چند روز بدون  
حضور دکتر امینی و بیات تشکیل می شد و اعضای  
کمیسیون سئوالاتی در خصوص معاملات نفتی و درآمد

در تنظیم این بخش از فصل مربوطه کتاب با تاریخ  
ملی شدن صنعت نفت ایران تألیف نگارنده استفاده  
شده است.

هنگام خروج انگلیسی ها از ایران و قرار گرفتن  
تأسیسات در دست ایرانیان ( اوایل مهر ماه ۱۳۳۰ )  
کلیه مخازن نفت در آبادان از فرآورده های گوناگون  
پر شده بود و چون نفت خام و فرآورده های نفتی صادر  
نمی گردید دیگر دامنه کار دستگاها را با لایش موردی  
نداشت ولی دستگاها را دیگر که برای ادامه زندگی در  
آبادان و مناطق نفتخیز لازم بود همچنان به کار خود  
ادامه می دادند و کارمندان ایرانی مسئولیت این  
دستگاها را به عهده گرفته بدیهی است که سنگین ترین  
مسئولیت کارمندان شرکت ملی عبارت بود از مرآت قبست  
و مواظبت از تأسیسات فنی و ادما دستگاها داشتن آنها  
برای کار و جلوگیری از زنگ زدگی و خوردگی آنها. با  
یا دآوری این نکته که زنگ زدگی و فساد فلزات یکی از  
مهم ترین عوامل خرابی در دستگاها می باشد.  
اهمیت کاری که طی سه سال بحران ملی شدن صنعت  
نوسط کارکنان ایرانی انجام گردید معلوم خواهد شد.  
شک نیست که اگر ایرانیان در این مورد بخصوص دقت و  
مواظبت مستمر به عمل نمی آوردند خسارات جبران  
ناپذیری به دستگاها وارد می آمد و آنها وقت لازم  
می بود تا دوباره همان دستگاها آماده کار  
گردند. یک ماه بعد از عزمیت انگلیسی ها از ایران  
هیئت رئیسه با لایشگاه به دولت تصمیم گرفت که یکی  
از بزرگترین دستگاها را تقطیر لایشگاه را به راه  
ببیندازد. این دولت یکی این بود که موجودی بعضی  
فرآورده ها ( از قبیل نفت جوارغ و نفت گاز) که در  
داخل کشور مصرف می گردید کاش با فتنه بود و لایشگاه لازم  
بود که جای این کاش دویا ره بر شود و دوم این بود که  
شرکت ملی خواست استعداد دوتوانی کارکنان ایرانی  
را در برپا زدن آشنایی از دستگاها را مهم با لایش  
بدون کمک غیر مورد تأیید قرار دهد و معلوم کند که  
اگر خریدار بر برای صدور نفت ایران پیدا شود شرکت تا چه  
مقدار نفت تصفیه شده می تواند در اختیار داشته باشد.  
در تعقیب این منظور شرکت با استفاده از کارکنان  
ایرانی دستگاها تقطیر شماره ۷۰ را که یکی از بزرگترین  
دستگاها را تقطیر لایشگاه آبادان و ظرفیت آن در  
حدود ۲ میلیون گالن ( سالی ۳ میلیون تن )  
بودیدون کوچکترین پیشامدی دوباره به کار انداخت  
در نتیجه این آزمایش موفقیت آمیز و مواظبتات  
دقیق شرکت اطمینان حاصل کرد که می تواند بدون  
استفاده از کارکنان خارجی با لایشگاه را تا میزان  
یک سوم ظرفیت آن بکار اندازد. یعنی سالی تقریباً  
۸ میلیون تن نفت تصفیه کند. اما چون خریداری برای  
صدور نفت پیدا نمی شود مصرف داخلی ایران فقط در  
حدود سالی یک میلیون تن بود تجدید عمل با لایشگاه حتی  
به این میزان محدود بود تا جت نبود.

متعاقب به کار افتادن تقطیر شماره ۷۰ بعضی دستگاها  
دیگر با لایش برای تصفیه و آماده کردن فرآورده های  
نفتی حاصل از تقطیر غیرتوانی سینه احتیاجات مصرف  
داخلی کشور را برآوردند و لایشگاه را به عنوان مقادار  
استخراج و تصفیه نفت در این مدت به مقیاس بسیار  
کمتر از ظرفیت دستگاها بود از تمام دستگاها  
با لایش استفاده و بهره برداری نمی شد و همین کار  
کردن با ظرفیت کم در دستگاها و مشکلات عدیده ای در  
برداشتن کدها بر بود دستگاها با ظرفیت کم  
معمولاً چنین مشکلاتی را در بر بردارد.

کار دستگاها تقطیر شماره ۷۰ در اوایل آذر یعنی پس از  
یک ماه و نیم متوقف شد و جای آن دستگاها کوچکتر شماره  
۵۰ به کار افتاد که مجموع با زده آن با مقدار مصرف  
نفتی مورد احتیاج برای مصرف داخلی کشور تقریباً  
می کرد از آن مقدار نفتی که هنگام شروع فعالیت  
شرکت ملی نفت درمخازن موجود بود فرآورده های که  
مصرف داخلی داشت مرتباً برداشت می شد و فرآورده های  
دیگر همچنان در دست نخورده در مخازن باقی می ماند.  
یکی دیگر از اقدامات شرکت ملی نفت در اوایل کار  
تعمیری بود که با کشیدن یک خط لوله اضافی از نفت  
شاه به کرمانشا در وضع استخراج و تصفیه نفت در آن  
منطقه داده شد با اقدام شرکت ملی نفت در تأسیس یک  
لوله اضافی نفت تصفیه شده در دستگاها تقطیر نفت شاه  
مستقیماً به کرمانشا برای حمل به سایر نقاط جهت  
فروش فرستاده می شد و با لایشگاه کرمانشا نیز توسط  
یک لوله دیگر نفت خام را مستقیماً از جاهای نفت  
شا درباری فت می نمود. بدین ترتیب در واقع ظرفیت  
تولید میدان نفت شاه به دو برابر افزایش داده شد.  
با این تدابیر و اقدامات دیگری که بعمل آمد شرکت ملی  
نفت کلیه احتیاجات مصرف داخلی کشور را تا میسون  
نمود. این نکته واضح است که با برچیده شدن  
دستگاها شرکت سابق مهمترین مسئولیت دولت ایران و  
نوری ترین مسئله عبارت از تأسیسات احتیاجات کشور به  
مواد نفتی بود زیرا کوچکترین وقفه در رساندن  
فرآورده های مورد نیاز مردم به دورترین نقاط کشور  
مسئله موجب اختلال امور روزانه و ایجاد زیانهای  
می گردید. خوشبختانه در این قسمت شرکت ملی نفت  
توانست توفیق کامل بدست آورد.

در دوره تمدنی شرکت سابق هر چند امور جاری بخش  
ایرانیان سپرده شده بود ولی سرشته کار یعنی تعیین  
خط مشی و سیاست کلی توزیع نفت در دست هیئت رئیسه  
انگلیسی شرکت قرار داشت. شرکت سابق مسئله بخش  
داخلی را با وسعت نظراتی نمی نمود بلکه چون این  
عمل را متضمن سود قابل توجهی نمی دانست بعداً قبل  
سرما به گذاری در این قسمت اکتفا گردون نسبت به فراهم  
نمودن تسهیلات لازم برای تأسیسات مصرف روزافزون  
نفت چنانکه با بد توجه نمی نمود. بنا بر این در تاریخ  
ملی شدن صنعت نفت با همه کوششی که اداره کل بخش  
به عمل آورده بود سا زمان بخش داخلی خالی از تقصی  
نشد. علاوه بر این شرکت در آخرین مراحل عملیات  
خود هنگامی که از دولت ایران نا امید دست  
به کارهای زندگی حتی الامکان از بخش داخلی را  
مختل سازد. از جمله قسمت عمده وسایل حمل و نقل  
دریایی را که مواد نفتی به بندر جنوب حمل می کردند به

### تلفات سنگین بمبارانها

بقیه از صفحه ۳

جولان دادند و ابتدا با کازهای رنگی متعادل زهوا سیما نام "مدام" را برپهنه آسمان شهرنوشتند و سپس به کوبیدن شهر پرداختند. تعداد تلفات در این بمباران و بمبارانهای بعدی این شهر وحشتناک و بی حساب توصیف شده است. به قول یکی از اهالی "عراقیبا آخرالزمان را نشان بروجردیها دادند".

در همین حال روزنامهها براساس آگهی های تبریک و تسلیت شهدا، در میان آنها به فرزندان چندا شمه جمعیه بر می خوریم. از جمله کشته شدگان حمله "گوبلی" در تلجمه، نوزده علی نقی خاموشی، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران است. این ها نشان دهنده آنست که رژیم برای بسیج نیروها اقدام خودی نیز روی آورده است. این روزها تمام رگانهای رژیم، اعم از دولتی و غیردولتی، طی بخشنامه های موقت به تهیه تدارکات و وسایل مورد احتیاج جمعیه ها شده اند و همان حال متعهد گردیده اند که برای بسیج نیروها آستین ها را بالا بزنند.

رژیم معمولاً برای تحریک و ترغیب مردم، گاه افراد را برای چندین بار به جبهه میبرد و با زمی گرداند تا فراوانی افراد و طلب را به نمایش بگذارد، ولی بالا بودن میزان تلفات از یکسو و وفور تعداد مجروحین هم منابع نیرو را کاهش داده و هم هراس در بین مردم برانگیخته است. تقریباً در تمام شهرهای ایران که دارای بیمارستان مجهز هستند، مجروح جنگی بستری شده است. تنها در بیمارستان امام خمینی تبریز ۵۰۰ مجروح جنگی بستری شده. این کار با مرخص کردن تمامی بیماران، بجز چندتن معدود و بیمار قلبی که در می سی. یو بستری هستند، صورت گرفته است. در بیمارستانهای تهران که قرار بود فقط یک بخش برای بستری شدن مجروحین اختصاص یابد، به طوری که تعداد مجروحین دو بخش به این کار اختصاص یافته است.

در حالی که جنگ در اردو و دهفتمین سال خود میشود و خونریزی و خرابی و وحشت همچنان ادامه دارد، خبرهایی که از بیمارستانها میرسد حکایت از آن دارد که مصرف مرفین در میان مجروحین جنگی به شدت افزایش یافته است. پزشکانی که این نکته را گوشزد میکنند، افزایش مصرف مرفین را نتیجه عمل دردناکی از جراحت، بلکه بخاطر نیاز روانی مجروح به فراموش کردن مناظر وحشتناک جنگ و از یاد بردن صحنه های جانشناسی میدانند که بیشتر به چینه شباهت دارد تا به جنگ. همین پزشکان اعلام خطر میکنند که در آینده، در کنار تعداد بسیاری معلول و مجروح جنگی، تعداد افزون از شمار معنادار دیه موماد و دخترخوا همداشت - جامه فردا، روزی که جنگ پایان یابد، از هر لحاظ تاریک تر از امروز است که جنگ ادامه دارد.

## اهمیت استراتژیک ایران

و این گرا و تار یک اندیش را به کشورهای دیگر ما در کند، و اگر نتوانست، دست کم ثبات بین المللی را برآورد.

رژیم تهران در این رهگذر، از نقطه های آسیب پذیر نظام ارتباط بین المللی سودبری می کند. این نقطه ها البته آسیب پذیرند، ولی نمی توان از آنها به عنوان نقطه های ضعف واقعی یاد کرد. به عنوان نمونه روزی که هواپیما را برای سهولت در ارتباط بین المللی بکار گرفتند، فکر نمی کردند کسی به فکر هواپیما ربا می بیفتد. یا روزی که کارگزاران فرهنگی دانشگاه بیروت را درست کردند، کسی در این اندیشه نبود که کسی ممکن است استادان دانشگاه را به گروگان بگیرد.

نمی خواهیم بگوئیم که تروریسم در مناسبات بین المللی با رژیم تهران با به عرصه وجود پیدا کرد، ولی مسلم است که با بقدرت رسیدن این رژیم، تروریسم ابعدی چنان گسترده یافته است که برای از بین بردن آن، چاره ای جز این نیست که به قلب رژیم حمله شود.

روزگاری نیز از همان دریا شای نیست کشتیرانی بین المللی را بر می افشاند. ولی کشتیرانی بین المللی متوقف نشد، دزدان دریایی از بین رفتند. امروز نیز چنین است، ارتباط های بین المللی از بین نخواهد رفت، ریشه تروریسم خشک شده خواهد شد.

رژیم تهران می خواهد چنین وانمود کند که اهمیت ایران به اعتبار حکومتی است که امروز بساط خود را در آنجا برپا کرده است. ولی آیا براساس چنین است؟ از آن که چنین ادعای دروغی است برسد ایران اهمیت چندانی نخواهد داشت پس از بقدرت رسیدن رژیم اسلامی بدست آورده است؟ نیز از آن با پدید آمدن فردا رژیم اسلامی، مطابق سرنوشت ناگزیری که در انتظار آن است، سقوط کند، ایران نیز اهمیت خود را از دست خواهد داد؟

گمان نمی رود که حتی ملایها به حکومت رسیده نیز جرات کنند به این پرسشها پاسخ مثبت دهند، و درخور توجه است که کارشناسان بین المللی هنگامی که اهمیت ایران را مطرح می کنند و بر آن پای می فشارند، بیسترا بنده ایران را در نظر دارند تا حال آن را. آنان، وقتی که از آینده ایران - یا ایران آینده - سخن می گویند، در متن کلامشان ایران را رها شده از رژیم کنونی مندرج است.

منظور ایرانی است که خواهد توانست تمامی استعدادها و خود را از نو به فعل آورد و در این منطقه مهم جهان نقشی سوازی آن بازی کند که امروز با می کند. امروز ایران در جهان به عنوان کشوری شناخته شده است که می خواهد با آمیزهای از زور و نظام، تهدیدهای تبلیغاتی و اقدامهای واقعی تروریستی، یک انقلاب

در ساحل خلیج فارس، ایران بیگمان و با فاصله زیاد از دیگران، مهمترین کشور است. براساس اهمیت ایران از کجاست و به چیست؟ به موقعیت جغرافیایی - سیاسی آن؟ به منابع طبیعی آن که در جهان در شمار مرغی ترینهاست؟ به نیروی انسانی آن و هوش و فراست مردم آن؟ یا به رژیمی که امروز بر آن حکم میراند؟

کارشناسان اموری بین المللی و مفسران سیاسی اهمیت ایران را در این میدانند که در منطقه ای قرار گرفته است که از حساس ترین مناطقی است. وقتی از کشوری مهم در منطقه ای حساس سخن می گوئیم، این بدان معنی است که در گرو گوناگون در جهت گیری سیاسی خارجی آن می توانست استراتژیک بین المللی را که نظام جهانی بدان استوار است، بهم بریزد. امروز اگر چه مناسبات بین المللی چنان گسترده و درهم تنیده است که تقریباً هیچ کشوری را نمی توان یافت که در گرو گوناغی آن در تسوازی استراتژیک جهانی تا شیری نداشته باشد. با اینهمه تمام کشورهای از این حیث به یک درجه اهمیت نیستند.

بقدرت می توان سرزمینی را مانند ایران یافت که سرشت آن در سرشت کشورهای دور و نزدیک تا شیری مستقیم داشته باشد. و این تنها به علت اهمیت استراتژیک ایران نیست. در اینجا است که نیروی اقتصادی، نظامی و سیاسی آن نیز همان گونه به حساب می آید که موقعیت استراتژیک آن. و تنها در ارتباط با اهمیت ایران از دیدگاه های گوناگون است که رژیم امروز تهران در کانسون توجه بین المللی قرار می گیرد.

### عوامل جمهوری اسلامی دست دارند

## مرگ اولاف پالمه

خبرنگار روزنامه تا میز چاپ نشدن از استکهلم می نویسد: - این روزها سخنان بسیاری در باره امکان دخالت و شرکت عوامل جمهوری اسلامی در حادثه قتل نخست وزیر سوئد اولاف پالمه بر سر زبانهاست. کمیسیون ویژه دربارلمان این کشور برای رسیدگی به جزئیات حادثه و شناسایی عوامل اصلی و مجریسان این تروریسم بقره در تاریخ مورسود تشکیل شده است.

از دیدگاه آقای اولوف یوهانسون رهبر فعلی حزب میانه روی این کشور، کمیسیون نامبرده به کمیسیون ویژه و این که برای شناسایی عاملان قتل جان افکنده سی و پنجمین رئیس جمهوری آمریکا به وجود آمده است و به گفته این سیاستمدار سوئدی، منتهای تحقیقات مزبور، رئیس پلیس استکهلم آقای هانس هولمورودا دستا نی کل کشور را نیز در بر می گیرد. از نظر او، تنها چنین تحقیقاتی در فضای کنونی سوئد از اهمیت خاصی برخوردار است. خبرنگار تا میز می نویسد: این روزها در فضای بحرانی سوئد مهم ترین نظریه ای که وجود دارد، بسا به دخالت و شرکت عوامل جمهوری اسلامی در حادثه قتل نخست وزیر سوئد است. به گفته رهبر حزب میانه روی سوئد: باید میان حادثه قتل آقای پالمه به تازگی بیست و هشتم فوریه ۱۹۸۶ و مرگ اسرار آمیز دربار سالاران لگرون را رابطه ایسی

سوئد برای جمهوری اسلامی بسیار گران شما خواهد شد.

خبرنگار تا میز می نویسد: مقام های کارخانه بو فورس سا زنده تسلیمات نظامی به پلیس سوئد گفته اند که آقای پالمه و سلف دربار سالاران لگرون هر دو در شورای نظارت بر تولید و فروش جنگ افزار عضویت داشته اند و از ارسال تسلیحات نظامی به جمهوری اسلامی از طریق یک کشور ثالث با خبر بوده اند. تا هدا ن عینی نیز به پلیس سوئد اطلاع داده اند که دربار سالاران لگرون در برابر چشمان شان به قتل رسیده است. بهر تقدیر، دلایل قتل او و نتیجه تحقیقات کمیسیون ویژه شناسایی عاملان قتل نخست وزیر سوئد هر چه که باشد، بر جا صدایی آزاد، متعادل و با فرهنگ همچون سوئد که از خشونت کور و پند و بست های سیاسی بدور بوده است، انسانی ناخوشایند خواهد داشت و زخمی عمیق از خود بر جای خواهد گذاشت.

تا میز لندن - ۲۹ ژانویه ۸۷

**را دیواران سلامت های بخش ویژه**

**برای معاول**  
 ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ روی امواج کوئست  
 وقت تهران: روی امواج کوئست  
 رده های ۲۵ متر فرکانس ۱۱۷۵ کیلو  
 هر (۳۱ متر) فرکانس ۹۵۵ تا ۱۵۹۲  
 کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۱۷۰  
 کیلوهرتز).

**برای معادل**  
 ساعت ۶/۵۵ تا ۶/۵۵ روی امواج کوئست  
 رده های ۱۲ متر (فرکانس ۱۵۶۵ کیلو  
 هر) و ۲۱ متر (فرکانس ۹۳۰۰ کیلو  
 هر) و ساعت ۱۲ تا ۱۲/۵۵ به وقت  
 تهران روی امواج کوئست رده های ۲۱  
 متر (فرکانس ۹۳۰۰ کیلوهرتز) و ۲۱  
 متر (فرکانس ۷۱۷۰ کیلوهرتز).

### اجلاس عادی شورای

### نهضت مقاومت ملی ایران

بقیه از صفحه ۱

پس از سخنان چند تن از اعضا، شوری وارد دستور شد. ابتدا نظریه‌هایی با نگرانی در مورد هیئت مورثیت هیئت رشید، برای تعیین هیئت رشید جدید اخذ رای بعمل آمد. در نتیجه رای مخفی، آقای دکتر شایسته پور به هیئت مورثیت ریاست شورای انتخاب گردید. سپس برای تعیین دوما به ریاست شوری، آقایان احمد میرقندی و مهدی ساسی نامزد شدند. برای یک دوره جدید، به اکثریت آراء به سمت شایسته پور رئیس انتخاب شدند.

پس از آن از طرف هیئت اجرا شوری به فعالیت‌های هیئت، گزارش مبسوطی به اطلاع شوری رسید. آنگاه شوری به بررسی اوضاع سیاسی ایران و تحولات سیاسی بین‌المللی پرداخت. سخنرانان بر این نکته تأکید کردند که علیرغم معاملات سوداگران بین‌المللی با جمهوری اسلامی، نهضت مقاومت ملی ایران - با تکیه بر مخالفت عمومی ملت ایران با رژیم موجود - همچنان به مبارزه سرخشان و آشتی ناپذیر خود، تا براندازی رژیم و استقرار دیکراسی ادامه خواهد داد.

### نوع بیماریها:

### قیم و اصفهان هدف هرروزه

بقیه از صفحه ۱

زمین نشست و تعدادی از اهالی راکشته یا زخمی ساخت و لی در باره تلفات خسارات وارده آمار دقیقی منتشر نداشت. از هنگام آغاز عملیات موسوم به کربلای پنج این هفتمین موشکی است که ایران به سوی بغداد پرتاب می‌کند. از هنگام آغاز عملیات کربلای پنج هواپیماهای عراقی با ۱۲۰ پرواز ۲۸ شهر ایران و از جمله تهران را بمباران کرده‌اند. شهر مذهبی قم طی این مدت هدف بمباران هدف بمباران هواپیماهای عراقی قرار گرفته و هر یک از شهرهای اصفهان و دزفول شامزده بار بمباران گردیده است.

گزارش قبلی حاکی از آن بود که چندین بنای تاریخی اصفهان در اثر بمبارانهای عراقی آسیب دیده است. عراق اعلام داشت که طی روزهای اخیر تبریز به‌وسیله روابیلام شهابی بمباران شده است.

عراقی‌ها طی این مدت یک بار ریزش تهران را بمباران کرده‌اند. گرچه آنها ادعا کرده بودند که در این حمله بمباران آسیب دیده، گزارش‌های تأیید شده حاکی بود که بمب به یکی از حومه‌های شمال غربی اما بت‌گرفته‌ولی به‌جمله‌ای از آسیبی نرسیده است.

رادیاو اسرائیل

### ابواب مرد شماره ۲ التمج

### گروهک‌های تروریستی

### در خدمت تهران

بقیه از صفحه ۲

تصمیم‌گیری درباره این مسئله با توجه به آنکه در حین عملیات، یک پلیس گشته‌ویکی دیگر قتل شده است، بسیار دشوار است. مسئولان فرانسوی در مقابل انتخاب شورای قرا گرفته‌اند؛ زیرا آنکه با پیدایش قانون و اصول تجاویز کنند و این زندانیان را آزاد سازند، در غیر این صورت با یکدیگر و آنها نشان را فراموش کنند. حل این مسأله، امروز به‌ویژه نزدیک به نظر نمی‌رسد. نقاش جز با عفو رئیس جمهوری فرانسوا میتران آرا دشوار شد و رئیس جمهوری برای این منظور درخواست کتبی دولت شبراک است.

آبواب از درباره دیگر خواسته‌های ایران می‌گوید: "مقامات ایرانی از فرانسویان قطع ارسال اسلحه به عراق را خواستار نیستند بلکه می‌خواهند فرانسویان به آنها هم اسلحه بفروشند." در مورد گروهک‌ها و ربا بندگان آنها صالح خلف (نام واقعی ابواب) صراحتاً می‌گوید: "حزب الله، جبهه دلاسمی، سازمان عدالت انقلابی، مستضعفین - فی الارض، همه یکی اند و برای تهران کار می‌کنند."

این برای اولین بار است که یک مقام برجسته فلسطینی برده از روی "گروهک‌های اسرارآمیز و تروریستی" برمی‌دارد. ابواب می‌گوید:

"این تشکیلات درست چون یک حزب عمل می‌کنند و همه نام‌های کونا کونی گسه حزب الله می‌تواند بخود بکشد و جزیوشی بر آن شایعه عملیاتی آن نیست. ..."

لوما تن - ۲۹ ژانویه ۸۷

### اعتراض ابتکاری

مردم شهری با یک اقدام استکباری یکی دیگر از طرح‌های جمهوری اسلامی را عقیم گذاردند.

بنا به یک گزارش چندین پیش‌ساز دی موسوم به ستاد خبرگیری کمیته انقلاب اسلامی شهری، به منظور جمع‌آوری اطلاعات صندوق‌های در گوشه و کنار شهر نصب کرد و از مردم خواست تا اخبار مربوط به مخالفان رژیم را در این صندوق‌ها بیاندازند. این اقدام با بساختن شکم مردم شهر ری روبرو شد، بدین صورت که مردم تاکنون این صندوق‌ها را با اوراق سفید زباله‌ها شاعرهای خرد رژیم پر کرده‌اند. مسئولان کمیته شهری که از این پاسخ جانانه مردم به خشم آمده‌اند تصمیم گرفتند تا در این صندوق‌ها را از نقاط مختلف شهر جمع‌آوری کنند.

### خانم ناچر راست نمی‌گوید

بقیه از صفحه ۱

توجه شما را به ترجمه نام رهبر حزب لیبرال انگلستان خطاب به خانم نخست وزیر انگلستان جلب می‌کنیم.

نام آقای دیویدا استیل نماینده مجلس نمایندگان انگلیس و رهبر حزب لیبرال بخا شما رگرت تا جر نخست وزیر انگلیس درباره تحویل اسلحه به رژیم خمینی مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۸۶

نخست وزیر عزیز، در تعقیب نامه مورخ ۳ دسامبر عضوان شما و پاسخ مورخ ۴ دسامبر شما بعنوان اینجانب.

با توجه به اطلاعات مکشوفه در روزهای اخیر این پاسخ شما تنها می‌تواند به عنوان یک نامه خلاف واقع توجیه شود. در نامه منبر شما موضع و ادعای خودتان را بر یک اساس حقوقی محدود و قسراً داده‌اید یا به‌صورت که "دلیلی مبنی بر صدور غیرقانونی و سائل نظامی

"و همچنین" دلیلی در اثبات نقض قوانین انگلیس" نداده‌اید.

هم‌اکنون آشکار شده در هفت سال گذشته لندن کانون فعالیت‌های تدارک اسلحه برای رژیم خمینی بوده و اینکارها در مرکز شرکت ملی نفت ایران در خیابان ویکتوریا انجام گرفته است.

شما از دادن پاسخ به سؤال اینجانب که آیا به وسیله شما زمان‌های اطلاعاتی اطلاع‌دهنده حتی بعنوان مرکز معامله‌سوی اسلحه آمریکا با ایران مورد استفاده قرار گرفته‌اند و رفتید و فقط گفتید که دولت آمریکا با اطلاع نداده است. در حالی که ملا لب ووزنا می‌های

امروز حاکی است که مراجع وزارت رتبی از اینک محل شرکت نفت ملی ایران واسطه اصلی انجام این معاملات بوده است خبر داشته‌اند. بعلاوه از قول همان منابع نقل شده که شما زمان‌های اطلاعاتی ام.آی.اف. با وزارت و فعالیت دلان اصلی ایرانی

معاملات اسلحه‌آکا بوده است حال سئوالی که در رابطه با معالجه اسلحه‌ها ایران باید بدان جواب دهید این است که شما در این باره چه می‌دانستید و چه موقع از آن اطلاع پیدا کردید؟

آنچه حائز اهمیت است آنکه شما نباید تلاش کنید که با توسل به آنچه در نامه مورخ ۴ دسامبر بتعید شخصی خود درباره عدم ازش با تروریستها" اشاره کرده‌اید از دادن پاسخ به این سؤال طفره برود.

جای تکراری است که عمل صدور موتور تا تک جیختن و قطعات یدکی زره پوشهای اسکورسیون در تاریخ ۲۱ نوامبر از بندر لیورپول بطور واضح با سستی که وزیر خارجه در قبایل مجلس دریا سخ سئوال اینجانب مورخ ۲۹ اکتبر ۱۹۸۵ اعلام کرد مبنی بر اینکه آلات فتا که به هیچیک از طرفین جنگ خلیج فارس داده نخواهد شد و فروش هر نوع وسائل نظامی که سه موجب اطلاعات گسترش منازعه نگردد ممنوع خواهد شد معاف بروت داد.

### درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴۰ فرانک فرانسه -

شش ماهه ۱۲۰ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی) به نام و نام خانوادگی فارسی و به حروف لاتین نام خانوادگی: Nom نام خانوادگی: Prénom نام: آدرس: Adresse:

ما یک نشریه، پیام ایران را به مدت یک سال به مبلغ ... فرانک فرانسه به حساب بانکی نشریه ... به حساب پستی نشریه ... ارسال می‌کند.

تاریخ: امضا:

شماره حساب پستی:

QYAM IRAN C.C.P. No: 2400118/E PARIS

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN Crédit du Nord 78, Rue de la Tour 75116 Paris Compte No: 11624700200

### توجه لازم

شما دارد تقاضای اشتراک را به آدرس پیام ایران ارسال فرمائید. نام‌های شما که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی‌رسد.

و خیم تر از آن این مطلب است که دولت علیا حضرت ملکه ظاهراً از اینکه لندن مرکز اصلی معاملات اسلحه‌ها یک رژیم تروریستی شده حالت بی‌تفاوتی اختیار نموده است. دولت نمی‌تواند در قبال دولت‌های تروریستی لیبی و سوریه دست به تحریم بزند و با یک دولت تروریست دیگر مثل ایران دست به یکی شود و در انظارا معاً به بین‌المللی بتحرفا حتی دوروشناخته شود.

حال شما باید آنچه را که در باره معاملات اخیراً اسلحه‌ها ایران می‌دانید بطور آشکار اعلام‌دارید. من همچنین از شما اطمینان می‌خواهم که اقدامات لازم را برای تعطیل دفتر خمینی در لندن که وجود آن در انگلستان کاملاً ممنوع است اعلام‌شده دولت در باره تروریسم بین‌المللی و جنگ ایران و عراق میباید تبیین آورید.



همه‌پنهان هم‌باز هر روز تلفن خبری شیف مفاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح تا ۱۲ ظهر و آخرین خبرهای ایران و جهان تراری می‌دهد.

۴۰۵-۹۰-۴۰۵ پاریس

### رادیواکتیو در مواد غذایی

بقیه از صفحه ۳

مرگ بچه‌ها بسان از کرسکی با نند، در نتیجه شیر خشک به‌گرا هونا کزیسر در مورد مصرف قرار می‌گیرد، اما عطای کیره و بنسیر دولتی را مردم به‌لغسای آن بخشیده‌اند. در ماه‌های بائیز، مرگ و میری که معرفت‌های مسموم در شهران موجسب آن شد، مردم را سختی نسبت به حسن نیت و کفایت با، بورا رژیم بی‌ایمانا دگسرد، در این ماهها رژیم از طریق سازمان تهیه و توزیع خود متعهد و مسئولانه فیله‌های جنوب دریا را توزیع کرد. مرگ دسده - خمینی یک خانواده هست نوری که سسده دسبال مصرف این ماه‌ها اتفاق افتاد و مسوویت‌ها و مرگ و میرهای پستی

۳۰ دسامبر ۸۶

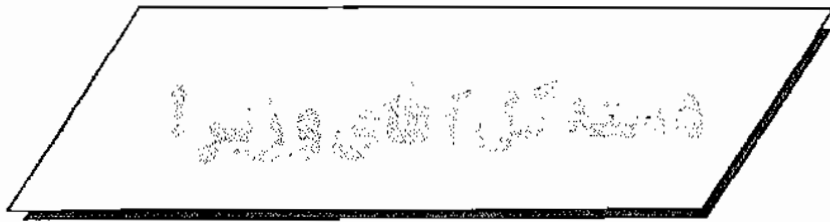
بقیه از صفحه ۱

کسانی که تا نون اساسی جمهوری اسلامی را در مجلس خبرگان اول می نوشتند به خیال خودشان می خواستند یک مرجعی مثل کمیته های تحقیقاتی دربارلمان های جهان غرب پیم پیسی کنند که بتوانند با اختیارات فوق العاده ، از همه حساب بکشند و همه از آن حساب ببرند . چیزی شبیه همین کمیته ای که الان در آمریکا به بیرونده روابط سنهانی کاخ سفید با رژیم آیت الله رسیدگی می کند و حتی رئیس جمهوری را می توانند حاضر کنند و از او توضیح بخواهند . البته ، این هم از خیالات خوش فرنگ رفته ها و فرنگ دیده ها و ایده آلیست ها می بود که توجهندها شدند آخوندها چه آشی در رندمی بزند و خورشان که از بل گذشت با این قبیل اصول قانون اساسی چه خواهند کرد .

بهر حال ، قانون اساسی از تصویب گذشت و جمهوری اسلامی با کثرت و بر طبق قانون اساسی ، این حکومت هم در ای مجلس است و هم در ای کمیسیون اصل نود . اما در شرایطی که وکلای مجلس اکرا ز دولت سوال کنند طوفان خشم مقام رهبری بر سرشان فرود می آید و مجبور میشوند سوالشان را پس بگیرند و توبه نامه به درگاه ملائکه جایگاه امامت و ولایت بنویسند ، از کمیسیون اصل نود چه معجزی برمی آید ؟

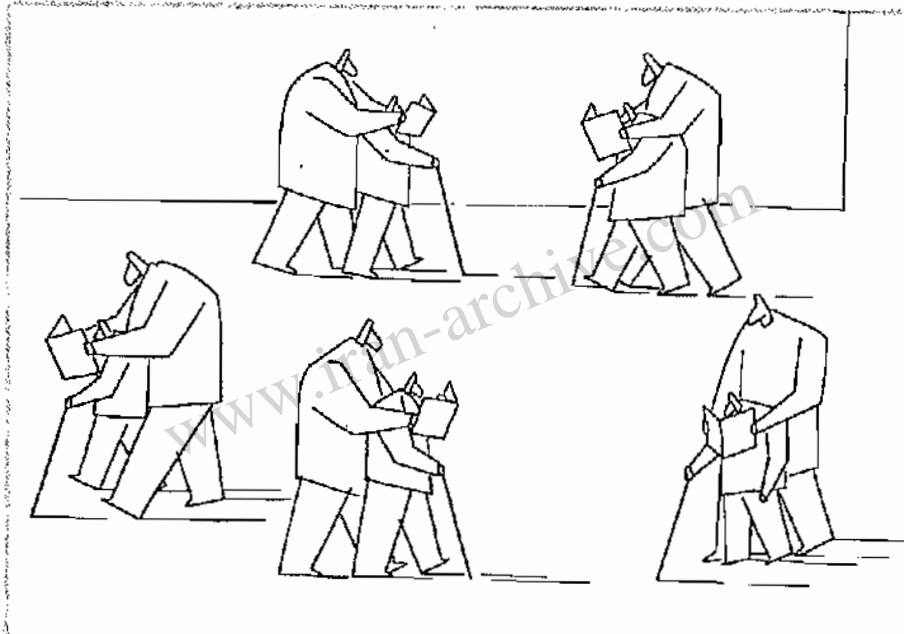
حایبی که شتر بود به یک قاز خرقیمت واقعی ندارد ! با همه این احوال کمیسیون اصل ۹۰ میبایستی لا اقل یک جا ، در یک موردی ، دست از آستین بردارد و خودی نشان بدهد . اما کجا و چگونه ؟ یقه کسی را می توانست بچسبید ؟ در باره قرار داد الحوا بر میثوا نشت تحقیق کند یا در خصوص سفر مرک فارلین ؟ راجع به معاملات اسلحه میثوا نشت پیگیری کند یا معاملات نفت ؟ در بنیاد مستضعفان میثوا نشت بعنوان تحقیق سرفرو کند یا بنیاد دهشید و حساب شماره ۱۰۰۰ امام ؟ از شیخ صادق خلغالی میثوا نشت راجع به نغله کاربها یش در قضیه مبارزه با مواد مخدر توضیح بخواهد یا از سید مهدی هاشمی در زمینه ریخت و بارها پیشش در سازمان حمایت از جنبش های رهایی بخش ؟

در میان تمام سازمان های موجود ، سر بی ما حسی که کمیسیون اصل ۹۰ بدست آورد و آن را قابل ترا شدن تشخیص داد ، کله کج کل شرکت ایران خودرو بیایران ناسیونال سابق بود . کمیسیون اصل ۹۰ به تصویب اینکه شرکت ایسران خودرو صاحبی ندارد و سرسیمت مستقیما با بیت امام و دفتر آیت الله منتظری متصل نیست و رسیدگی به تخلفات آن در حکم تضعیف دولت و ایجاد شکاف در صف فشرده امت اسلام و اخلال در کار رجبیه ها و تنزل روحیه رزمندگان محسوب نمیشود ، شکایاتی را که از وضع تولید و توزیع اتوموبیل های ساخت ایران خودرو و خرید و فروش قطعات یدکی اتوموبیل در یافت داده شده بود معروض پیگیری گذاشت . هیأتی از طرف کمیسیون ماء مورد که وضع شرکت را



بررسی کند . جهت اعلام های که به نمایندگی از طرف کمیسیون برای رسیدگی به دفاتر و زیدانیا رهای شرکت ایران خودرو رفته بودند پس از چندین هفته صرف وقت گزارش دادند که این کار ، یک کار فنی است و رسیدگی بدان احتیاج به همکارانی افراد متخصص دارد . این بار ، کمیسیون اصل نود تعدادی حسابدار و خیره و فیلمبردار و عکاس با نمایندگان خود همراه کرد که رفتند و دفاتر شرکت ایران خودرو را مورد با زرسی قرار دادند و از انبارهای شرکت با زدید کردند و مدیران و مسئولان قسمت های مختلف را به سوال و جواب

عمل کرده عمیقاً " تحت نا " شرف قرار میداد . آنچه بر میزبان این تاء نشت بی افزودند نکرا ر حساب شده این اتهامات در طول گزارش بصورت ترجیح بند ، با استناد به اسطهات دست اندر کاران دوشرکت ، تکیه بر روش های استفاده شده در تهیه این گزارش مانند متاهادات عینی و فیلمبرداری و حضور در محل و نهایتاً " تاء " کیدروسا بل و ابزار متعددی بود که در تهیه آن بکار گرفته شده است از قبیل سازمان با زرسی کل کشور ، دو تن از کارشناسان خیره و غیره و از همه تاء ترا نگیزند و وقتی بود که گزارشگرها به جا مقایسه عمل کرده این دوشرکت را پس از



نشانند و گزارش مبسوطی را به ضمیمه عکس ها و فیلمها و اسطهادات و صورتجلسات ، حاکی از سوء تدبیر و سوء استفاده در شرکت ایران خودرو و شرکت " گوا " وابسته به وزارت بازرگانی در اختیار کمیسیون قرار دادند . بر مبنای این گزارش ، کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی تحقیقات دیگری بعمل آورد و با لاف بعد از دو سال بررسی و پیگیری ، گزارشی در دو هزار و پانصد کلمه انتشار داد که اکنون وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی آن را یک گزارشی با و ر مبتذل و جانانه و مغرضانه می خوانند ! وزیر بازرگانی در جواب بیهوده می نویسد : " این گزارش سئوالات و ابهامات متعددی را در مورد مدیران دوشرکت ایران خودرو و گوا ، کمیت و کیفیت خریدهای داخلی و خارجی آنها ، نحوه توزیع ، چگونگی انبارداری ، روش قیمت گذاری ، میزان مالیات های پرداختی و مبلغ سود حاصله این دوشرکت در ذهن مستمع مطرح می کرد که بطور طبیعی هر شنونده منصفی را از این بظا هر سو

انقلاب شکوهمند اسلامی در لایلهای سطور با زمان طاغوت را شامی کرده که ظاهراً هر انسان انقلابی و آزاده ای را آزرده میساخت ... بدنیال این مقدمه ، برای اینکه از نظام جمهوری اسلامی رفع اتهام بعمل آید و خدمتگزاران و روحیه خدمتگزاران در نظام مدمه نبینند ، آقای وزیر بازرگانی مشروحا " استدلالت می کند که تهیه کنندگان گزارش ، یعنی اعضای کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی ، و کارشناسان و صاحب دارانی که با آنها همکاری داشته اند

" هر " را از " بر " تشخیص نمی دهند . مثلا " آنقدر از مرحله برتند که نمی دانند چیزی بنام " جعبه قرمز " در اتوموبیل وجود ندارد تا بحث گران و ارزانی و مرغوبیت و عدم مرغوبیت آن مطرح باشد با اینکه در گزارش نوشته اند در سالهای ۶۱ و ۶۲ بیست و هفت هزار میل لنگ وارد شده است در حالی که از زمان وقوع انقلاب اسلامی تا پایان سال ۶۲ کل تعداد میل لنگ های خریداری شده و وارد شده ۲۴۰۷ عدد بوده است . ۲۴۰۷

کجا ۲۷۰۰۰ کجا ؟ کسی که جوابیه مشروح وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی را می خواند طبیعا " به این نتیجه می رسد که شرکت ایسران خودرو و شرکت ایران گوا هدا مانسان از هر گونه اتهامی مبرا است و مدیران و مسئولان هر دوشرکت در باره کی و درستی همدانند و در قرآن و پیراهن بسی درز مریم اند . هر شکایتی هم که از ریخت و پاش و بی نظمی و سوء استفاده در خریدهای دوشرکت و تولید و توزیع

اتوموبیل و قطعات یدکی ، احتمالا ، به کمیسیون اصل ۹۰ رسیده باشد مغرضانه و بی پایه بوده است . اما اگر استدلال آقای وزیر بازرگانی را قبول کنیم آنوقت ناچاریم بپذیریم که نمایندگان کمیسیون اصل نود تا نسون اساسی در مجلس شورای اسلامی بر اساس شکایات مهممل و غرض آلود ، برای اینکه نظام انقلابی را تقبیح و نظام طاغوتی را تقدیس کنند ، دو سال وقت خودشان و دیگران را بهدر داده اند و گزارشی نوشته اند که به لعنت حق نمی آزد و سراپا پیش جلد است و افترا و دروغ . یکی پیش فاضی شکایت برد که فلان کس مرادش نام داده و گفته است ولدا لزنا ؟ فاضی پرسید شامی برای دعای خود داری ؟ گفت آری ، شامه را آوردند ، گفت من شنیدم که فلان کس به این شخص دشنام داد و گفت قرصاق . و گفت قرصاق : فاضی قلم را بر زمین گذاشت و گفت : این ولدا لزنا ؟ ادعای می کند ، آن قرصاق شهادت می دهد ، من در این میان چه حکم کنم ؟ شما بین کمیسیون اصل ۹۰ و وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی چه حکم می کنید ؟

رژیم رفتنی است

نویسنده : همونکس ، سالگرد دهه با ملاح فجر انقلاب اسلامی خمینی جز با آغوش زنجبار یک مشت بی وطن در این آب و خاک نیست ، مبارزه و مقاومت را گسترش دهیم - ایران هرگز نخواهد مرد . هموطنان ما در علامه های اعتراضی خود هم چنین با آغوش دهانند ؛ حال میلیا ردها دلار حراج نفت ، مرگ ، ویرانی ، قحطی ، وحشت و جنگ بی حاصل و ویران گراست ، جوانان با بیدار شده بمانند .

در آستانه سالگرد انقلاب اسلامی هزاران برک حاوی شعراهای نهضت مقاومت ملی ایران و یه طرفداری از حاکمیت ملی و در محکومیت جمهوری اسلامی توسط مردم در تهران - قزوین و کرج بخش شد . نمونه شعراهایی که در شهرهای یاد شده بخش گردیده است از این قرا است : هموطن ، رژیم رفتنی است برای تدارک خریه ، نهایی مبارزه و مقاومت را گسترش دهیم . با سداران مرگ رژیم قتلست با ملت همدا

ایران هرگز نخواهد مرد

نشانی: QYAM IRAN C/O C. B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE